

بررسی ابعاد و تحلیل شهروندی فعال^۱

مهرداد امین آقایی*، محمدجواد زاهدی**، ملیحه شیانی***

(تاریخ دریافت ۹۷/۰۱/۱۶، تاریخ پذیرش ۹۷/۰۶/۱۵)

چکیده: تغییرات رویکردی در گفتمان شهروندی، منجر به دستیابی به تعریفی از شهروندی گردید که به جای تعریف این مفهوم به مثابه یک پایگاه حقوقی، بر عاملیت شهروندان به مثابه کنشگرانی در حوزه اجتماع، سیاست و دولت تاکید دارد. شکل گیری مفهوم شهروندی فعال، ریشه در این رویکرد دارد. در این مقاله، شهروندی فعال به معنای توانایی برای درگیر شدن در گونه‌های مختلف کنش‌های اجتماعی و سیاسی با انگیزه تصمیم‌سازی و تاثیرگذاری و بر مبنای فضایل اخلاقی احترام متقابل و عدم خشونت است. مروری بر تحقیقات و مطالعات در حوزه شهروندی نشان می‌دهند میزان تحقق شهروندی در جامعه مطلوب نیست و اکثریت شهروندان تهرانی شهروندان منفعلی هستند. از این رو بررسی وضعیت شهروندی فعال در شهر تهران و عوامل موثر بر آن هدف اصلی تحقیق مدنظر قرار گرفت. روش انجام پژوهش پیمایشی و جمعیت آماری کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن شهر تهران است. حجم نمونه برابر ۱۲۰۰ نفر محاسبه گردید و جهت دسترسی به افراد نمونه، از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده استفاده شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه است که از اعتبار صوری و پایایی بالاتر از ۰/۷ برخوردار است.

نتایج آزمون‌های همبستگی نشان داد بین برخورداری از حق شهروندی، مصرف رسانه‌ای و عام‌گرایی با شهروندی فعال ارتباط مستقیمی وجود دارد و بین احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی با شهروندی فعال نیز ارتباط غیرمستقیمی وجود دارد. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان داد ۴۰ درصد از تغییرات متغیر شهروندی فعال توسط متغیرهای مستقل

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری است و لازم به یادآوری است که استاد گرانقدر آقای دکتر فرهنگ ارشاد سمت استاد مشاور این رساله را به عهده داشتند.

*. دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور تهران (نویسنده مسئول) Mohnaz_aminaghaee@yahoo.com

** .دکتری جامعه‌شناسی، عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور M_zahedi@pnu.ac.ir

***. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران mshiani@ut.ac.ir

تبیین می‌گردد و برخورداری از حق شهروندی با ضریب بتای ۰/۲۵ بیشترین تاثیر را بر شهروندی فعال دارد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که احساس بی‌قدرتی، احساس محرومیت نسبی، فقدان مهارت‌های مدنی و یا بی‌اعتمادی به تاثیر مشارکت سیاسی در تغییر وضعیت اقتصادی و رفاهی جامعه، مهم ترین عوامل موثر بر شهروندی فعال هستند. شهروندان ضمن این‌که ازدانش سیاسی، علاقه سیاسی، تعهد مدنی، قانون‌پذیری توان بازاندیشی و برخی عوامل دیگر که به نوعی ملزومات نرم افزاری تحقق شهروندی در سطح پایین هستند، نسبت به مهارت‌های مدنی و ابزارهای مشارکت اجتماعی و سیاسی موجود ناآگاهند و یا فضا و شیوه‌های مشارکتی فعلی را جهت پیشبرد منافع ذهنی خود مناسب نمی‌دانند. نیاز اصلی شهروندی فعال، مهارت تبدیل مطالبه‌گری و انتقاد به ایده‌پردازی و مشارکت در اجرا و تحقق ایده‌ها است.

مفاهیم کلیدی: درگیری مدنی، درگیری اجتماعی، درگیری سیاسی، شهروندی فعال.

مقدمه

گفتمان شهروندی وابسته به تغییرات پارادایمی و سنت‌های فلسفی غالب، در طول زمان با چالش‌های بسیاری مواجه شده است که این مفهوم را دست‌خوش تغییرات بسیاری کرده است. اما به‌رغم تغییرات گفتمانی و رویکردی، نتایج حاصل از گفتمان شهروندی، در عمل و در بهترین حالت، وزن برابری را برای ابعاد حقوق، مسئولیت‌ها و تکالیف در نظر گرفته است. این نگاه منجر به پدید آمدن شهروندانی منفعل، غیرخلاق و فاقد انگیزه می‌شود. اثربخشی کم در کنار پرهزینه بودن، کاهش سرمایه اجتماعی، تقویت فرهنگ وابستگی و نظایر آن از مهم‌ترین نتایج حاصل از چنین رویکردی است.

اصطلاح «شهروندی فعال» مبتنی بر رویکردی نوین در گفتمان شهروندی، نخستین‌بار در متن استراتژی «کمسیون اروپایی لیسیون در سال ۲۰۱۰»^۱، به‌مثابه ابزار تقویت جامعه مبتنی بر «رقابت دانش محور» و «انسجام اجتماعی» از طریق قدرتمندسازی شهروندان، افزایش احساس تعلق و سهم‌داشتن در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند با تاکید بر ارزش‌های دموکراسی، برابری، درک فرهنگ‌ها و افکار متفاوت مورد توجه قرار گرفت. بنیاد شهروندی فعال^۲ نیز شهروندی فعال را مشارکت در جامعه مدنی، حیات اجتماعی و حیات سیاسی تعریف می‌نماید که با ویژگی‌های احترام متقابل، عدم خشونت و با حقوق بشر و دموکراسی منطبق است (بنیاد شهروندی فعال، ۲۰۱۱: ۲۱). در هر دو تعریف یاد شده، شهروندی فعال محدود به ابعاد سیاسی نمی‌شود و طیفی از فعالیت‌های

1. European Commission Lisbon 2010 Strategy
2. Active Citizenship Foundation

فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی را دربرمی‌گیرد.

در ادبیات آکادمیک، مطالعات تجربی و جنبه عملیاتی و اجرایی شهروندی در ایران نیز تلاش‌های گسترده‌ای برای تغییر نگاه شهروندی از تاکید بیشتر بر حقوق به سمت اولویت بخشی به مسئولیت‌ها و تکالیف با اضافه کردن مفاهیمی مانند مشارکت صورت گرفته است. شهروندی فعال علاوه بر حفظ این تعادل، مفاهیم جدیدتری را دربرگرفته است و می‌تواند منافع بیشتری را برای جامعه و سیاست‌گذاران به دنبال داشته باشد که این مفهوم را به یک اولویت پژوهشی تبدیل نموده است.

طرح مساله و اهمیت تحقیق

امروزه شهروندی نقطه آغازین برای ورود به بسیاری از مفاهیم جامعه‌شناسی و بررسی آن‌ها به‌شمار می‌رود. پیوند بسیاری از مفاهیم از جمله مسئولیت‌پذیری، توسعه شهری، آزادی، مشارکت، عدالت، هویت، نابرابری اجتماعی، سرمایه اجتماعی و غیره با مفهوم شهروندی، منجر به تلاش‌های گسترده برای توسعه نظریه شهروندی، از نظریه‌های کلاسیک شهروندی گرفته تا پیدایش نظریه‌های پست مدرن در این حوزه شده است. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت این مفهوم به‌مثابه پویاترین مفهوم اجتماعی جامعه مدرن و همچنین یکی از پرمناقشه‌ترین مباحث مورد توجه جامعه‌شناسان و سایر رشته‌های مرتبط بدل شده است.

از مهم‌ترین چالش‌های مفهوم شهروندی می‌توان به آشکار شدن ناکارآمدی دولت و سازمان‌های بزرگ در قالب حکومت، عدم توجه به تنوع فرهنگی و تکثر زیست‌جهانی در مفهوم شهروندی، عدم مشروعیت تصدی‌گری دولتی و مدیریت بوروکراتیک مبتنی بر تصمیم‌گیری از بالا به پایین در حوزه مسایل توسعه شهری، گسترش انفعال سیاسی و مدنی به‌دلیل عدم پای‌بندی به مسئولیت‌های اخلاقی، تبدیل شهروندی به صرفاً مجموعه‌ای از حقوق، گسترش روزافزون مفهوم جهانی شدن و وجود چالش‌های متفاوت میان مفهوم کلاسیک شهروندی و جهانی شدن، گسترش فردیت و خودآیینی اخلاقی-سیاسی به‌مثابه یکی از عناصر مدرنیته و شاکله مدرنیته تاکید بیش از حد بر مسئولیت‌ها بدون توجه به حقوق و یا حقوق گروه‌های خاص و در حاشیه، عدم اعتماد شهروندان به نهادهای دولتی و غیرمردمی اشاره نمود.

تفکرات مدرنیستی شهروندی همواره به دنبال اصالت دادن به یک ذهنیت واحد و یک‌پارچه بوده‌اند که همه افراد به طور میان‌ذهنی در آن اشتراک داشته باشند. این وحدت‌ذهنی، به این معناست که یک نهاد غیرشخصی و قدرتمند بتواند تنوع را انکار کند و سمت و سوی فعالیت شهروندان را از بالا تعیین کند. اشکال این تعابیر در این است که می‌خواهند یک‌سانی را حاکم

گردانند و در نتیجه تفاوت‌ها و تمایزات را نادیده می‌گیرند. در حقیقت ممکن است تنوع و تکثر چالشی در مقابل شهروندی مدرن به‌شمار رود، اما در حقیقت نه تنها مانع نیست بلکه فرصت نیز به‌شمار می‌رود. مفهوم خیر را دیگر نباید یک یا چند هدف یک شمل و یک جور برای کل اعضای جامعه در نظر گرفت و حالت تثبیت شده‌ای ندارد. بلکه لازم است تا بر مبنای یک فرایند ذهنی-آموزشی، اعضای جامعه درباره این‌که منافع و خیرهای مشترک چه باید باشد، مدام بازسازی و دوباره تعریف می‌شود. (الجاندر، ۱۹۹۳)

موارد یاد شده نشان می‌دهد که شهروندی به رغم راه پر فراز و نشیبی که پیموده است نتوانسته به هدف‌های خود دست یابد. بنابراین چالش‌های پیش روی شهروندی و یا ناکارآمدی در این حوزه، ضرورت بازبینی و به‌وجود آمدن مفهومی جدید و ارائه رویکردی جامع‌تر به شهروندی را ضروری می‌سازد. رویکردی مبتنی بر نگرش برنده-برنده که پویایی اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، افزایش اعتماد اجتماعی را با تأکید بر دموکراسی و حقوق بشر به ارمغان آورد. چنین رویکردی نیاز به توسعه و گسترش شهروندی در راستای تقویت وجه فعال آن در قالب «عضویت کسب‌شده»^۱ دارد. مفهوم شهروندی فعال معادل این عضویت کشف‌شده است. در این معنا، شهروندی مستلزم مشارکت فعال و جذب‌شده فرد در جامعه‌ای است که هویت او را می‌سازد.

به‌طور کلی می‌توان گفت اهمیت پیدا کردن مفهوم شهروندی در گفتمان سیاسی معاصر، زاییده یک رشته تحولات بنیادی در نهادها و نظریه پردازی است. اهم این تحولات عبارتند از ظهور ذهنیت‌گرایی، کلی‌گرایی، کلیت پیدا کردن استقلال و خودبنیادی اخلاقی و تقسیم و بخش‌بخش شدن زندگی اجتماعی به دو حوزه متمایز خصوصی و عمومی. نتیجه روند مزبور آن بود که در پژوهش‌های سیاسی و فلسفی چنین فرض شد که ذهن، سپهری است دارای استقلال اخلاقی که باید از تمامیت و منزلت آن در برابر نهادها و باورهای متجاوز به آن دفاع کرد. این‌که خودآیینی یا خود بنیادی اخلاقی حالت جهان‌شمول پیدا کرد، زمینه ساز این طرز تلقی شد که هر فرد فارغ از منزلت اجتماعی خود، یک منبع اخلاقی محسوب می‌شود و سزاوار است که خودش مسیر سعادت خودش را انتخاب کند (همان).

شهروندی فعال می‌تواند به‌مثابه مدل جایگزین پاسخ‌گو به چالش‌های مدرن شهروندی به‌شمار رود. در حقیقت توجه به تنوع در زیست جهان‌ها، تأکید بر ارزش‌های دموکراتیک، نگاهی جامع‌تر به مشارکت، تأکید بر شکل‌گیری احساسات فردی فراگیر و همه‌شمول، اهمیت قایل شدن برای جامعه اطلاعات محور، تأکید بر عاملیت شهروندان، چرخش نظری و عملی از رویکردهای کلاسیک شهروندی به سمت شهروندی فعال را ضروری می‌سازد.

1. Achieved membership

این مقاله به لحاظ نظری در جست‌وجوی تدقیق مفهومی شهروندی فعال، سنجش شهروندی فعال در شهر تهران با توجه به فضا و موقعیت کنونی جامعه و تبیین شهروندی فعال بر اساس متغیرهای مستقل پژوهش است. در این راستا، ابتدا با تشریح انواع رهیافت‌های موجود در زمینه شهروندی و نیز شهروندی فعال و سپس نقد آن‌ها، الگوی نظری مناسبی از شهروندی فعال، ابعاد و مولفه‌ها و سپس عوامل موثر بر آن تدوین و سپس با استفاده از مطالعه‌ای میدانی، وضعیت شهروندی فعال و عوامل موثر بر آن در شهر تهران بررسی می‌شود.

با توجه به این‌که شناخت، پیش‌درآمد هر گونه نظام سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است، امید است که نتایج این تحقیق بتواند درک بهتری از اوضاع شهروندی در شرایط حال، تحلیل کنش‌ها و پیش‌بینی وضعیت پیش‌رو جهت سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه شهروندی فراهم آورد. سوال‌های اصلی این تحقیق عبارتند از:

۱. بنیان نظری شهروندی فعال، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن کدام‌اند؟
۲. وضعیت شهروندی فعال و ابعاد و مولفه‌های آن در شهر تهران چگونه است؟
۳. چه رابطه‌ای بین عوامل اجتماعی مورد نظر تحقیق (عام‌گرایی، احساس بی‌قدرتی، احساس محرومیت نسبی، مصرف رسانه‌ای، برخورداری از حقوق شهروندی، طبقه اجتماعی، سن، جنسیت) و شهروندی فعال وجود دارد؟

پیشینه تجربی تحقیق

ناکارآمدی رویکردهای کلاسیک شهروندی و تغییرات مفهومی در شهروندی فعال که با هدف‌های توسعه پایدار و تقویت ارزش‌های دموکراتیک پیوند نزدیک دارد موجب شده است تا بخش مهمی از تحقیقات حوزه شهروندی در جهان به شهروندی فعال اختصاص یابد که این مهم در جامعه ایران کم و بیش مورد توجه قرار نگرفته است.

تحقیقات در حوزه شهروندی فعال به دو بخش تقسیم می‌شود بخش اول که مستقیماً به مفهوم سازی، عملیاتی سازی و سنجش شهروندی فعال پرداخته است که در این تحقیق در راستای ساخت سازه شهروندی فعال از نتایج آن‌ها بهره گرفته شده است. بخش زیادی از این تحقیقات به تحقیقات در ادبیات خارجی شهروندی اختصاص دارد.

بخش دیگری از تحقیقات به بررسی شهروندی فعال و عوامل موثر بر آن توجه داشته‌اند یا به مشارکت به عنوان مهم‌ترین بعد شهروندی فعال پرداخته‌اند که از نتایج آن‌ها برای تحلیل وضعیت فعلی و احصا متغیرهای تاثیرگذار بر شهروندی فعال استفاده شده است. در ادامه به تحقیقات یادشده اشاره مختصری خواهد شد.

سازمان صلاحیت‌ها و برنامه درسی در انگلستان^۱ (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای تطبیقی، به بررسی شهروندی فعال در بین ۱۶ کشور پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که گسترش شهروندی فعال با میزان توسعه آموزش شهروندی در مدارس و آموزشگاه‌ها ارتباط دارد. همچنین این مطالعه نشان می‌دهد که بنیادهای مفهومی شهروندی فعال به میزان کافی مورد تحلیل قرار نگرفته است و در نتیجه شاهد فقدان شفافیت و درک مشترک از نقطه شروع این مفهوم و معنای آن هستیم. دالتون^۲ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان هنجارهای شهروندی و مشارکت سیاسی، علایم شهروندی فراگیر مانند میزان رأی دادن، هویت ملی، اعتماد به حکومت و غیره را بررسی می‌کند و معتقد است که تحقیقات پیشین به نوعی به شهروندی مبتنی بر وظیفه^۳ ارتباط داشته‌اند و نیاز به بازبینی و ارائه ابعادی جدید برای شهروندی را ضروری می‌داند. در این پژوهش اهمیت مشارکت به‌مثابه بعد اصلی شهروندی فعال عنوان و اندازه‌گیری شده است و به دنبال مفهوم مشارکت، استقلال فردی، نقش شهروند در آگاه بودن پیرامون وضعیت حکومت برای ایفای نقش مشارکتی، همبستگی فرد و جامعه و جنبه‌های شورایی و انتقادی شهروندی مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش هاسکینز^۴ و ماشرینی^۵ (۲۰۰۹) در «سنجش شهروندی فعال در اروپا» از مهم‌ترین تحقیقات در این دسته به‌شمار می‌رود. هاسکینز و ماشرینی چهار بُعد اصلی را برای شهروندی فعال در نظر گرفته و سپس به سنجش این ابعاد و شاخص ترکیبی آن در بین شهروندان ۱۹ کشور عضو اتحادیه اروپا پرداخته‌اند. چهار بُعد مورد نظر شهروندی فعال در این مطالعه عبارت بودند از: حیات سیاسی^۶ (۹ شاخص)، جامعه مدنی^۷ (۱۸ شاخص)، حیات اجتماعی^۸ (۲۵ شاخص) و ارزش‌های دموکراتیک^۹ (۱۱ شاخص). داده‌های این پیمایش، از پیمایش اجتماعی اروپا^{۱۰} در سال ۲۰۰۲ استخراج شده است. نتایج این دو محقق نشان می‌دهد که سهم ابعاد در تبیین واریانس شاخص ترکیبی شهروندی فعال به ترتیب مربوط به حوزه جامعه مدنی (۲۹٫۵٪)، حوزه زندگی محلی (۲۶٫۹٪)، حوزه زندگی سیاسی (۲۵٫۹٪) و حوزه ارزش‌ها (۱۷٫۷٪) است. نتایج نشان داد که سطوح بالای شهروندی فعال با سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی رابطه مستقیمی دارد. (هاسکینز، ۲۰۰۶).

1. Qualifications and Curriculum Authority in England (QCA)
2. Dalton
3. Duty Based Citizenship
4. Hoskins
5. Mascherini
6. Political Life
7. Civil Society
8. Community Life
9. Democratic Values
10. European Social Survey

تحقیق یاد شده در کنار سایر تحقیقات این دو محقق، با ارائه سازه شهروندی فعال، امکان بررسی عوامل موثر بر آن و تبیین این متغیر را بر اساس متغیرهای مستقل گسترده فراهم ساخت که از این تحقیق در ساخت سازه شهروندی فعال نیز استفاده شده است.

در مورد دسته دوم از تحقیقات که به تدوین مدل نظری این تحقیق و ساخت سازه شهروندی فعال نیز کمک نمود، می‌توان به مطالعه‌ای که پیرامون «نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری» انجام شده اشاره نمود که اولین مطالعه‌ای است که در ایران درباره شهروندی فعال صورت گرفته است. غفاری نسب در این تحقیق مفهوم شهروندی فعال را مفهومی بیش از عضویت انفعالی در اجتماع سیاسی مدنظر قرار داده است و وضعیت مطلوب شهروندی را در این می‌داند که فرد به‌مثابه یک شهروند، مشارکت فعال در زمینه مسائل و مباحث سیاسی و کنش اجتماعی داشته باشد. مفهوم شهروندی نشان از مسئولیت افراد در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی است. (غفاری نسب، ۱۳۹۱)

با توجه به منابعی که در دسترس ما قرار دارد به نظر می‌رسد پژوهشی در ایران با عنوان دقیق شهروندی فعال که به ساخت و سنجش این سازه بپردازد انجام نشده است اما، تحلیل ناشی از داده‌های گردآوری شده بر اساس ابعاد مختلف شهروندی فعال در تحقیقات پیشین، می‌تواند شمایی از وضعیت مولفه‌های مورد تاکید شهروندی فعال را در جامعه ایران نشان بدهد. به طور مثال، شیانی (۱۳۸۸) در بررسی «تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران» به این نتیجه رسیده است که شهروندی در ایران پدیده‌ای نو و در حال تحقق است (شیانی، ۱۳۸۸). شیانی در تحقیق مذکور، علاوه بر فقدان منابع و فرصت‌های اجتماعی در سطح کلان، بر وجه انفعالی جامعه به کمبود مهارت‌های فکری و مشارکتی، و نوع ارزش‌ها و نگرش‌های منفعلانه افراد اشاره می‌کند که بر توانایی اعضای جامعه دلالت دارد. مروری بر یافته‌ها و نتایج مطالعات تجربی و تحقیقات در حوزه شهروندی بازگویی آن است که میزان تحقق شهروندی در جامعه ما در حد متوسط و کم در ابعاد نظری و عملی تحقق یافته است. به گونه‌ای که حدود یک‌سوم از مردم شهر تهران (شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران) به برخورداری از حقوق در حد کم (۳۳/۸٪) اشاره کرده و در مقابل حدود یک‌چهارم معتقدند به وظایف شهروندی خود در حد زیاد (۲۳٪) عمل می‌کنند. طبق بررسی یوسفی و عظیمی‌هاشمی (۱۳۸۷) که در بین شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران انجام گردید، چنانچه برابری مشارکتی (با میانگین ۴۹)، برابری فرصتی (با میانگین ۴۶/۹) و برابری توزیعی (با میانگین ۵۰/۴) را جزو ابعاد سه‌گانه حقوق شهروندی بدانیم و نیز احساس هویت سیاسی (با میانگین ۷۷) را از مؤلفه‌های مسئولیت‌های شهروندی در نظر بگیریم، مشاهده می‌شود که میانگین حقوق شهروندی کم‌تر از احساس مسئولیت‌های شهروندی است. (یوسفی و عظیمی‌هاشمی، ۱۳۸۷) از این رو، می‌توان نتیجه گرفت در جامعه ما عدم تعادل در

برخورداری از حقوق و انجام مسئولیت‌ها بین دولت و شهروندان، توسعه شهروندی را با مشکل و محدودیت روبه‌رو می‌سازد. به نظر می‌رسد این عدم توازن در سطح خرد و در میان شهروندان، شکاف میان دولت و مردم را فراهم می‌آورد که با انباشته تر شدن آن‌ها، جامعه مستعد بحران‌های اجتماعی و سیاسی می‌شود. پناهی و غیاثوند (۱۳۹۰) نیز در مقاله‌ای با عنوان «وضعیت موجود شهروندی اجتماعی در تهران و راهکارهای ارتقای آن» که در بین افراد بالای ۱۵ سال ساکن شهر تهران (به جز شمیرانات و شهر ری) انجام گردید، به این نتیجه رسیده‌اند که اکثریت شهروندان تهرانی شهروندانی منفعل هستند و تنها کمتر از ۲۰ درصد آن‌را می‌توان شهروند با خصوصیت انفعالی کمتر محسوب کرد (پناهی و غیاثوند، ۱۳۹۰) هم‌چنین شیانی و فاطمی‌نیا (۱۳۸۸) در بررسی «میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی» که در بین افراد بالای ۱۸ سال ساکن مناطق ۲۲ گانه شهر تهران انجام گردیده است به این نتیجه رسیده‌اند که میانگین آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی در حوزه فرهنگی ۷۷٫۸۱ درصد، اقتصادی ۶۴٫۶۵ درصد و اجتماعی ۶۳٫۷۱ درصد است. پایین‌ترین آگاهی شهروندان تهرانی در حوزه سیاسی با میانگین ۵۵٫۰۹ درصد بوده است. میانگین آگاهی از تعهدات فرهنگی ۷۵٫۶۶ درصد، تعهدات اقتصادی ۵۳٫۱۳ درصد، تعهدات اجتماعی ۴۹٫۷۳ درصد و تعهدات سیاسی ۶۰٫۷۹ درصد بوده است. به این ترتیب به جز تعهدات سیاسی (شامل رأی دادن در انتخابات) میانگین آگاهی از تعهدات پایین‌تر از میانگین آگاهی از حقوق بوده است. تحقیق غیاثوند (۱۳۹۰) در خصوص گرایش به شهروندی سیاسی که یکی از ابعاد شهروندی فعال نیز به‌شمار می‌رود، میزان برخورداری مردم از حقوق سیاسی را کمتر از انجام تکالیف سیاسی توسط آن‌ها نشان می‌دهد. در این تحقیق پاسخ‌گویان معتقد بوده‌اند که آن‌ها به تکالیف شهروندی خود عمل می‌کنند ولی از حقوق شهروندی لازم برخوردار نیستند. بررسی وضعیت گرایش به شهروندی سیاسی نیز نشان داد که ۳۰ درصد پاسخ‌گویان دارای جهت‌گیری فعال نسبت به شهروندی و تنها ۲۳ درصد پاسخ‌گویان گرایش تکلیف‌محور نسبت به شهروندی سیاسی داشته‌اند (غیاثوند، ۱۳۹۰).

نتایج پژوهش‌های یاد شده به خوبی نشان دهنده تضعیف تکالیف و وظایف شهروندی در بین شهروندان به وجه مالی و قانونی آن و در بهترین حالت بیان انتقادات است و مفهوم عمل در ساخت سازه پویای شهروندی بسیار تضعیف شده است. شیانی و صدیقی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان نگرش به انگاره هنجارین شهروندی، سه انگاره شهروندی را بر اساس حقوق و تکالیف مدنظر قرار داده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در شهر تهران بوده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که از بین سه گروه هنجاری اخلاقی، قانونی و اجتماعی مدنظر این مقاله، سطح هنجارهای قانونی، شاهد بالاترین اقبال است. در سطح هنجارهای اخلاقی که ناظر به تثبیت ارزش‌های دموکراتیک در اذهان شهروندان است، پایین‌ترین میزان نگرش مثبت وجود دارد

که این امر جامعه ما را به لحاظ هنجاری به الگوی کشورهای اروپای شرقی نزدیک می‌کند (شیانی و صدیقی، ۱۳۹۴).

نتایج مرور ادبیات تجربی داخلی تحقیق نشان می‌دهد که در مطالعات خارجی این حوزه، مستقیماً مفهوم شهروندی فعال مورد توجه قرار گرفته است. در این تحقیقات، شهروندی فعال به‌مثابه سنجۀ اصلی شهروندی دموکراتیک مورد توجه قرار گرفته است که مولفه اصلی آن مشارکت در کنار استقلال فردی، گرایش به ارزش‌های دموکراتیک، آگاه بودن از قانون‌گذاری‌های و سیاست‌گذاری‌های حکومت برای ایفای نقش مشارکتی و همچنین جنبه‌های شورایی و انتقادی شهروندی است.

در مقابل، بیشتر مطالعات داخل کشور، به سنجش شهروندی و مشارکت و میزان آگاهی نسبت بدان در معنای عام اختصاص دارند و مفهوم شهروندی فعال مورد توجه قرار نگرفته است. اما به رغم ضعف مطالعاتی پیرامون شهروندی فعال در ایران، از حدود دو دهه قبل به این سو مطالعات وسیعی چه از حیث نظری و مفهوم‌سازی و چه از حیث روشی در رابطه با اهمیت نقش مشارکت هدفمند و تأکید بر وجه فعال شهروندی در مقابل وجه انفعالی آن در شهروندی صورت گرفته که به غنای مطالعاتی در این حوزه انجامیده‌اند.

لذا با توجه به شکاف پژوهشی یاد شده، در پژوهش حاضر کوشش شده است که مفهوم گسترده‌تر «شهروندی فعال» با تأکید بر «مسئولیت‌ها (وظایف و تعهدات)»، تدقیق مفهومی، تبیین و بررسی شود. این پژوهش می‌تواند ضمن اتصال بسیاری از مفاهیم مانند مسئولیت‌پذیری اجتماعی، مشارکت و غیره به مفهوم شهروندی، نقطه آغازینی برای ورود این مفهوم در ادبیات جامعه‌شناسی شهروندی ایران به‌شمار رود.

مبانی نظری

به نظر می‌رسد بهترین دسته بندی مفهومی-نظری از شهروندی با تأکید بر زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی و سیاسی تعریف این مفهوم به‌صورت شهروندی دولت محور، شهروندی جامعه مدنی محور و شهروندی انسان محور است.

مهم‌ترین وجه پیوند مفهوم شهروندی و دولت، دربرگرفتن ساکنان یک قلمرو در قالب اجتماع سیاسی و برابری سیاسی آنان به‌مثابه شهروند است که با عنوان ملت-دولت مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مفهوم آمیزه‌ای از واحد سیاسی است که قلمروی محدود مانند کشور را با اجتماعی ملی (ملت یا مردم) که قدرت تحمیل اراده سیاسی خود را در داخل مرزهای آن دارند به همدیگر پیوند می‌زند (کاستلز و دیویدسون، ۲۰۰۰). در چنین رویکردی از شهروندی، سه نکته اساسی وجود

دارد: ۱- شهروندی منحصر به ارتباط فرد و دولت است ۲- این ارتباط متضمن حقوق و تکالیف معینی است و ۳- شهروند وظیفه وفاداری به دولت را نیز بر عهده دارد (فری، ۲۰۰۳: ۱۱۴-۹۳).

نقطه اتکای فلسفی رویکرد شهروندی دولت محور، مکتب فردگرایی لیبرالی است که انسان‌ها را کارگزاران اخلاقی، مسئول و خودمختاری می‌داند که هدف‌شان تأمین زندگی خوب است و نظام سیاسی آزادی‌های فردی و شهروندی را که برای تحقق این زندگی لازم است، تضمین می‌کند (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۳). طبق آرای لیبرالی، افراد جامعه توانایی شکل‌دادن، اصلاح و تعقیب عقلانی پیش‌برد منافع شخصی در ساختارهای معین را با استفاده از حقوق خود دارند. تعریف مارشال^۱ از شهروندی نیز اولین تعریف از شهروندی با توجه به شاخص‌های جامعه مدرن است که در رویکرد شهروندی دولت محور قرار می‌گیرد. وی شهروندی مدرن را پایگاهی می‌داند که به تمامی افرادی که عضو تمام عیار اجتماع خود هستند، داده شده است. بر همین اساس آنان دارای جایگاه، حقوق، وظایف و تکالیف برابر و متناسب با این پایگاه هستند که به موجب قانون تثبیت و حمایت می‌شود. به این معنا شهروندی مدرن در برابر هرگونه موقعیت سیاسی و اجتماعی نابرابر، نژادگرایانه، قشربندی شده و جنسیت‌یافته‌ای قرار می‌گیرد که اعضای جامعه را به صورت نابرابر واجد حقوق، امتیازات و تکالیف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌کنند (مارشال، ۱۹۶۴) نظریه مارشال در باب شهروندی، به مدت نیم قرن به گونه‌ای گسترده مورد بحث قرار گرفته است. وی شهروندی را به سه بخش تقسیم می‌کند: عنصر مدنی که در جهت تحقق آزادی‌های فردی ضروری است و از عناصری چون آزادی بیان، حق مالکیت و حق برخورداری از عدالت تشکیل شده است. عنصر سیاسی از حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی، به ویژه حق برخورداری از انتخابات آزاد و رأی به وجود آمده است و نهایتاً عنصر اجتماعی که به مثابه حق «برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و امنیت، حق سهیم شدن به طور کامل در میراث اجتماعی و هم‌چنین حق زیستن به مانند یک موجود متمدن» تعریف می‌شود. (همان) نظریه شهروندی مارشال با انتقادهای گسترده‌ای مواجه شد. فالكس در نقد این رویکرد، بنیان فلسفی آن را نشانه می‌گیرد و معتقد است که فردگرایی لیبرالیستی، نگرش خودخواهانه و ابزارانگاران‌های را به دموکراسی و شهروندی القا کرده است. در این نگاه، دموکراسی و شهروندی، به مثابه تجلیات زندگی جمعی و اشتراکی در نظر گرفته نمی‌شوند بلکه به مثابه شیوه‌های افزایش نفع شخصی قلمداد می‌شوند. حقوق درخواست می‌شوند اما مسئولیت‌ها پذیرفته نمی‌شوند. (فالكس، ۱۳۸۱: ۹۵)

ترنر^۲ در نقد این نظریه، بیان می‌کند که مارشال شهروندی را به عنوان مفهومی یک‌دست مورد بررسی قرار داد و کوششی در جهت تفکیک انواع شهروندی یا مطالعه تطبیقی اشکال متفاوت

1. Marshall, Thomas (1950)
2. Turner, Brayan (1945)

شهروندی از منظر مسیرهای تاریخی متمایز، انجام نداد. این که شهروندی در اروپا و در ارتباط با الگوهای متفاوت توسعه‌ی سرمایه‌داری، اشکال متفاوتی گرفته است امری نسبتاً بدیهی است اما نظریه‌ی مارشال، هیچ تمایزی بین شهروندی فعال و منفعل قایل نمی‌شود (ترنر و همیلتون، ۱۹۹۴). تاکید ترنر بر گونه اجتماعی شهروندی و مدل توسعه شهروندی و بازتولید شهروندی مدرن مبتنی بر مشارکت از پایین به بالا و شهروندی فضیلت مدنی محور به بسط و گسترش شهروندی دولت محور کمک می‌کند. واحد تحلیل ترنر در ارائه سنخ‌شناسی شهروندی، کشور است، وی بر شهروندی فرهنگی متشکل از اقدامات اجتماعی‌ای که هر شهروند را شایسته مشارکت کامل در فرهنگ ملی نماید تاکید دارد (همان).

شهروندی دولت محور با دو انتقاد روبرو شد. یکی تقویت خصوصیت انفعالی شهروندی نسبت به جنبه فعال آن با تاکید زیاد بر دولت و دیگری لزوم فضای میانی لازم برای ارتباط شهروند و دولت. چالش‌های یاده شده، آغازگر چرخشی از شهروندی دولت محور به شهروندی جامعه مدنی محور تلقی می‌شود. در این راستا، نظریه‌پردازان سیاسی به آثار گرامشی^۱ رو آوردند که دولت را «ساختار سیاسی جامعه مدنی» می‌دانست (چاندوک، ۱۳۷۷). در حقیقت کلید حل مساله در توجه به مفهوم میانجی رابطه شهروند فعال با دولت است که بر شکل‌های مختلفی از وفاداری فرهنگی و مشارکت تاکید دارد و هم‌چنین بر اجتماع سیاسی در قالب نهادها و شبکه‌هایی که موجب پیوند بین دولت و ملت می‌شوند انعکاس می‌یابد (کالهن، ۱۹۹۳).

از مکاتب سیاسی، اندیشه‌های اندیشمندان لیبرال نوین، اندیشمندان جمهوری خواهی و اجتماع باوران^۲ بنیان‌های فلسفی و نظری رویکرد شهروندی جامعه مدنی محور را تشکیل می‌دهند. اجتماع باوران اندیشه لیبرالی را به دلیل کوتاهی در ارج نهادن به اجتماع شدیداً مورد انتقاد قرار می‌دهند. مخالفت با جهان شمولی، اخلاق مبتنی بر فضیلت^۳ (مک‌این‌تایر، ۱۹۸۱)، تاکید بر بنیادها و سازمان‌های مردم نهاد، تاکید بر اجتماعات به عنوان سازنده افراد و منبع خیر جمعی (تیلور، ۱۹۸۵)، از باورهای اصلی اجتماع باوران به‌شمار می‌رود.

برداشت جمهوری خواهی مدنی با پیوند آزادی‌های فردی و همبستگی اجتماعی و با تأکید بر اجتماع آغاز می‌شود. متفکران اصلی آن، ارسطو و روسو بوده‌اند و این رویکرد در قرن‌های هفدهم و هجدهم توسط جمهوری خواهان در انگلستان تداوم یافته است. شهروندی در این تفکر کنش^۴ و

1. Gramsci, Antonio (1891)
2. Communitarism Article I.
3. Virtue Based Moral Theory
4. Action

فعالیت^۱ تعریف می‌شود. افراد بر جامعه اولویت ندارند بلکه هویت خود را در بستر اجتماعی شکل می‌دهند. به بیان دیگر، عضویت در اجتماع و عمل به وظایف آنان را شهروندی می‌کند (شیانی، ۱۳۸۸). به‌طور کلی در مدل جمهوری خواهی از شهروندی، بر ضرورت تجمیع دو اندیشه فردگرایی لیبرال و منفعت جویی‌های ناشی از آن و برابری و عضویت در جامعه تأکید می‌شود. مهم‌ترین الزام شهروندی در این مکتب این است که شهروندان هم‌قادرند و هم‌باید در احقاق حقوق شهروندی‌شان سهیم باشند و این منوط به ایفای وظایف و تکالیف شهروندی است. علاوه بر این حقوق، شهروندی متضمن دارا بودن فضیلت‌های اخلاقی-اجتماعی است (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۳۶).

دیدگاه پارسونز در رویکرد شهروندی جامعه مدنی محور قرار می‌گیرد. وی شهروندی را بازتاب عضویت در اجتماع می‌داند که بر همبستگی، تعهد اعضا و وفاداری متقابل اعضا تأکید دارد و نقش فرد در آن محوری است (ترنر و همیلتون، ۱۹۹۴). یکی دیگر از ارزش‌های ویژه‌ای که از نظر پارسونز مقوم منزلت شهروندی است، ارزش کثرت‌گرایی با تأکید بر روحیه مدارای شهروندان است (پارسونز، ۱۹۷۱) که بر خورداری شهروندان گوناگون و گروه‌های شهروندی متنوع از حقوقی برابر در شکل‌دهی به سازمان سیاسی و فرهنگی جامعه را عملاً ممکن می‌سازد (شیانی، ۱۳۸۸). فیتزپتریک سیاست‌های دموکراتیک دولت‌ها را زمینه‌ساز تولید شهروندی مدرن، جامعه مدنی باز و دولت تکثرگرا و دموکراتیک را پیش شرط ظهور شهروندی مدرن می‌داند (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۲۱).

هابرماس نیز معتقد است که شبکه‌های ارتباطی مدنی، شرط لازم تحقق دموکراسی به‌شمار می‌روند. زیرا اعضای جامعه صرفاً در حوزه عمومی و جامعه مدنی از نقش شهروندی برخوردار خواهند شد. از رهگذر جامعه مدنی، مسائل مختلف در حوزه عمومی حل خواهد شد. در این حوزه‌ها، افراد مسئولیت‌ها و حقوق خود را به‌مثابه شهروند پذیرفته و قادر به بیان نظرها و عقایدشان می‌شوند (هابرماس، ۱۹۹۴). جانوسکی نیز جامعه مدنی را عنصری مهم در تعریف شهروندی و بیانگر حوزه‌ای از گفتمان عمومی، پویا و پاسخگو بین دولت‌ها، حوزه عمومی (متشکل از سازمان‌های داوطلبانه) و حوزه بازار (متشکل از شرکت‌ها و اتحادیه‌های خصوصی) می‌داند. (ژانوسکی، ۱۹۹۸)

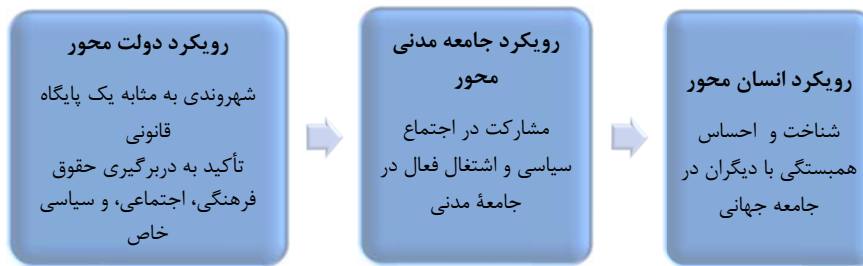
اما عدم امکان تفکیک عناصر ساختاری و فاعلیت شهروندی و همچنین انتقاد بر باورهای جهان میهنی اجتماع باوران، به‌مثابه مهم‌ترین چالش شهروندی جامعه مدنی محور، نقطه شروعی برای نگاه جدیدی به شهروندی تحت عنوان شهروندی انسان محور گردید. در حقیقت منتقدان به نظریه‌های شهروندی جامعه مدنی محور، معتقدند که شهروندی را نمی‌توان به مشارکت و مشارکت را تنها نمی‌توان به جامعه مدنی تقلیل داد. لذا جهشی در درک مفهوم شهروندی انجام شد که اکنون به موجب آن شهروندی بیش از یک مفهوم حقوقی است و در برگیرنده اعتقاد و الزام

شهروندان به دموکراسی مشورتی^۱ و اقدام فردی با تمایل به تأثیر گذاری مطرح می‌شود (وربا و نی، ۱۹۷۲). شهروندی انسان محور، جنبه‌هایی از شهروندی دولت محور و شهروندی جامعه مدنی محور مانند تاکید بر حقوق مشارکتی و شهروندی اکتسابی را حفظ کرده و عناصر بدیعی از شهروندی مانند شهروندی جهانی، شهروندی پست مدرن، شهروندی متمایز و شهروندی مشورتی را نیز دربرمی‌گیرد. در رویکرد شهروندی انسان محور، شهروندی، در نظر گرفتن انسان در ظرف حقوق و انتظارات مشروع و هم‌چنین وظایفش، مسئولیت‌ها و مشارکت (نسبت به دیگری، نسبت به دولت و نسبت به جامعه جهانی) در جامعه دموکراتیک است.

شهروندی فعال برگرفته از رویکرد انسان محور از شهروندی است. ارتباط عناصر ساختاری و فاعلیت در شهروندی فعال را می‌توان مبتنی بر نظریه دوگانگی ساختاری گیدنز به‌خوبی نشان داد. به نظر گیدنز، شهروندی را می‌توان نوعی دوگانگی ساختاری در نظر گرفت که نمی‌توان در آن فرد و جامعه را درمقابل یکدیگر درک کرد. فرد از طریق اعمال حقوق، مسئولیت‌ها و تعهدات، شرایط ضروری شهروندی را بازتولید می‌کند. مفهوم بازاندیشی^۲ گیدنز بعد آگاهی و شناخت پویای شهروندی فعال را نشان می‌دهد. منظور از بازاندیشی، حساسیت و تاثیرپذیری بیشتر حوزه‌های فعالیت اجتماعی و تجدید نظر مداوم در روش‌ها و نگرش‌ها بر اساس اطلاعات یا دانش نوین است (گیدنز، ۱۳۸۷).

بنابراین شهروندی فعال دارای هویتی پویاست و شهروندان به‌مثابه کارگزاران خلاق همواره راه‌های جدیدی برای تکمیل عناصر و شکل دادن به عناصر شهروندی می‌یابند. بخش مهمی از شهروندی فعال دانش است که در تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی و مدنی این مفهوم نقش مهمی دارد. نظریه شهروندی مشارکتی^۳ بگنال^۴ مبتنی بر رویکرد شهروندی انسان محور، بر دانش، مهارت و ارزش‌های لازم برای تحقق شهروندی فعال تاکید دارد. دانشی را که بگنال شناسایی می‌کند آن نوع دانشی است که طبیعت روندهای دموکراتیک، مهارت‌های مشارکت در شبکه، تشریک مساعی، مباحثه، بررسی مسائل و دفاع از مواضع بر آن‌ها مبتنی است. (زپکه، ۲۰۱۳) مهم‌ترین منبع یادگیری آن رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات مانند شبکه‌های اجتماعی هستند.

1. Deliberative Democracy
2. Reflexivity
3. Participative Citizenship
4. Bagnall



(تصویر شماره ۱ - نکات کلیدی رویکردهای مختلف شهروندی)

ادبیات موجود تعاریف متفاوتی از شهروندی فعال به دست داده‌اند که این تعاریف محتملاً ناشی از آن است که هر یک بخشی از آن را مورد توجه قرار داده‌اند. هاسکینز (۲۰۰۶) بر پایهٔ آراء مارشال با تأکید بر حقوق و تعهدات شهروندی و همچنین تعریف بنیاد شهروندی فعال و تعریف وربا و نی (۱۹۷۲) با تأکید بر فعالیت مشارکتی، شهروندی فعال را «مشارکت در جامعهٔ مدنی، حیات اجتماعی و حیات سیاسی با ویژگی‌های احترام متقابل و عدم خشونت و منطبق با حقوق بشر و دموکراسی» تعریف می‌کند. شهروندی فعال گستره‌ای از فعالیت‌های مشارکتی شامل درگیری سیاسی، درگیری مدنی و درگیری اجتماعی در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی را در بر می‌گیرد. طبق این تعریف، تأکید بر فضایل اخلاقی، حقوق بشر و دموکراسی ضروری به نظر می‌رسد. چراکه صرف عمل به‌تنهایی شهروندی فعال نیست.

لیستر^۱ نیز از نظریه پردازان شهروندی انسان محور است که شهروندی فعال را مفهومی گسترده‌تر از یادگیری قواعد بازی و نحوهٔ مشارکت در مدل‌ها و ساختارهای موجود می‌داند و بیان می‌کند که شهروندی فعال را باید در سطح وسیع‌تر و با الزام یادگیری فعال سواد سیاسی و توانمندسازی، با توجه به ساختارها و روابط قدرت و فعالیت در جهت تغییر (در صورت لزوم) دانست (یکه‌ام، ۲۰۰۸).

یکی از مسایل چالش برانگیز و اصلی در رویکرد شهروندی انسان محور ارتباط بین حقوق شهروندی و سایر ابعاد شهروندی است که به وظایف، تعهدات و درگیر شدن شخص در اجتماع مربوط است. فالكس در نظریه شهروندی پست مدرن خود به خوبی این ارتباط را تصویر می‌کند. ریشه نظریه فالكس با ترکیب گفتمان‌های سیاسی نئولیبرالیسم و اجتماع باوران همراه می‌شود. وی معتقد است حقوق فردی تنها هنگامی معنادار است که به وسیله احساس تعهد به دیگران حمایت

1. Lister

شوند. دیگری که هم حقوق ما را به رسمیت می‌شناسند و هم به ما در ایجاد و پایدار ساختن نهادهای اجتماعی که تحقق حقوق را ممکن می‌سازند، یاری می‌رسانند. (فالكس، ۱۳۸۱) جانوسکی نیز در ارتباط با انواع حقوق و کنش فعال و منفعل شهروندان در حوزه جغرافیایی سیاسی ملت-دولت، به بحث لزوم تعادل بین تعهدات و مسئولیت‌ها می‌پردازد. به نظر او حقوق شهروندی حقوقی هستند که گروه‌های مختلف از آن حمایت می‌کنند و توسط دولت تصویب و تأیید شده و دارای ضمانت اجرایی است. این حقوق متمایز از فضیلت مدنی و برنامه‌های داوطلبانه نظیر امور خیریه و برنامه‌های منافع خصوصی است. حقوق و تعهدات شهروندی می‌تواند با عضویت فعال و منفعل شهروندان در کشور همراه شود. شهروندی منفعل یعنی حق وجود داشتن و بهره‌مندی از حقوق، اما شهروندی فعال بودن به معنای توانایی تأثیرگذاری بر سیاست‌هاست (ژانوسکی، ۱۹۹۸). به این ترتیب، ژانوسکی با افزودن نوع دیگری از حقوق به نام «حقوق مشارکت» به بسط شهروندی مارشال پرداخته و با تفکیک عرصه‌های خصوصی و عمومی به جنبه دیگری از شهروندی فعال/منفعل در حوزه و تعهدات اشاره کرده است.

در این تحقیق، شهروندی فعال به معنای توانایی برای درگیر شدن در گونه‌های مختلف کنش‌های اجتماعی و سیاسی با انگیزه تصمیم‌سازی و تأثیرگذاری و بر مبنای فضایل اخلاقی احترام متقابل و عدم خشونت در نظر گرفته شده است. در سطح عملیاتی و سنجشی نیز در این تحقیق با توجه به ماهیت سازه‌ای شهروندی فعال، برای ساخت شاخص ترکیبی شهروندی فعال (ACCI)^۱، بُعد وظایف و مسئولیت‌ها مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرد. ابعاد شهروندی فعال در این تحقیق، متشکل از بُعد وظایف و مسئولیت‌ها از شهروندی در تعریف کلاسیک آن مبتنی بر نظریات هابرماس (۱۹۹۴)، فالكس (فالكس، ۱۳۸۱) و ژانوسکی (۱۹۹۸) و همچنین تعریف هاسکینز و ماشرینی (۲۰۰۹) در پژوهش "سنجش شهروندی فعال در اروپا) است.

همچنان می‌توان گفت سوال مهم مارشال که آیا شهروندی با نابرابری‌های طبقه اجتماعی سازگار است؟ (مارشال، ۱۹۶۴) در مورد شهروندی فعال پابرجاست. به نظر وی شهروندی قدرت‌های قانونی و حقوق مدنی را به انسان‌ها اعطا می‌کند اما حقوق مدنی برای بخشی از مردم که ابزارهای اقتصادی لازم جهت استفاده از این حقوق را ندارند بی‌فایده است (دارندورف، ۱۹۹۴).

مهم‌ترین تأثیر نابرابری‌های اجتماعی احساس بی‌قدرتی^۲ و محرومیت نسبی^۳ است. احساس بی‌قدرتی، نوعی احساس بیگانگی است که در آن فرد احساس می‌کند در وضعیت‌های اجتماعی که در آن‌ها کنش متقابل دارد نمی‌تواند تأثیر بگذارد. احساس بی‌قدرتی به ویژه خود را در مشارکت و

1. Active Citizenship Composite Indicator (ACCI)

2. Powerlessness

3. Relative deprivation

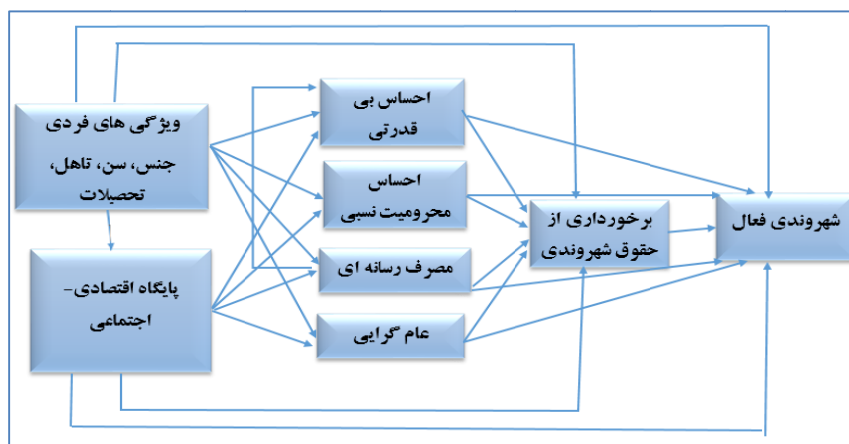
تصمیم‌گیری‌های سیاسی نشان می‌دهد. سیمن^۱ این حالت را احساس فرد نسبت به عدم کنترل خود بر رویدادها و حوادث به‌وجود آمده در جامعه تلقی می‌کند. او بی‌قدرتی را متضمن پیوستاری می‌داند که از رهایی نیروهای خارجی گرفته تا در برگرفتن میزانی از کنترل فراتر از سرنوشت فرد را دارا باشد. محتوای رفتارگرایانه نظریه سیمن نشان می‌دهد هر قدر افراد جامعه سطح بالایی از احساس عدم اثربخشی یا همان بی‌قدرتی را در فرایندهای سیاسی و اجتماعی تجربه کنند، احتمال بیشتری برای بی‌تفاوتی اجتماعی و بیگانگی از مسایل اجتماعی و سیاسی وجود دارد (سیمن، ۱۹۵۹).

محرومیت نسبی نیز به معنای احساس ناشی از مقایسه موقعیت فرد با موقعیت افرادی دیگر در سایر گروه‌ها و دسته‌های انسانی است. در این میان، گور^۲ با ارائه تحلیل دقیقی مرتبط با رابطه احساس محرومیت نسبی و مشارکت، معتقد است احساس محرومیت نسبی در افراد به نارضایتی و بی‌تفاوتی اجتماعی و سیاسی منجر می‌شود عقلگرایی و رفتار عقلانی به نوبه خود بر فردگرایی استوار است و از آن سرچشمه می‌گیرد و در نتیجه چنین وضعیتی انسان به افزایش سود خود می‌اندیشد. لپپمن^۳ نیز در نظریه خود-سوداندیشی^۴ خود بر محرومیت نسبی تاکید دارد و این‌گونه استدلال می‌کند که مشکلات و گرفتاری‌های روزمره افراد، برای مردم به نحو چشم‌گیری توجه برانگیزند و لذا نوعی فردگرایی نسبت به مسائل بیرونی بر رفتار آن‌ها حاکم می‌شود. (هولندر، ۱۳۷۸) لذا تقویت شهروندی فعال مبتنی بر تقویت ارزش‌های عام‌گرایی است. عام‌گرایی^۵ به طور کلی به معنای توجه به ضوابط، مقررات و شرایطی است که تضمین‌کننده منافع و مصالح عمومی است. در یک فرهنگ عام‌گرا، افراد بر این باورند که قواعد و ارزش‌های جامعه مهم‌تر و پایدارتر از منافع و خواست‌های آنان، بستگان و دوستان‌شان هستند. عام‌گرایی، پیامدهای عمیق و گسترده‌ای در سطح فردی و جمعی دارد و رفتارهای فردی و جمعی را جهت می‌دهد. پارسونز نیز با مبنا قرار دادن مفهوم عام-گرایی، تصویری از شهروندی معطوف به عضویت و انسجام اجتماعی، عرضه می‌کند. وی هنجارهای عام را عامل مؤثر بر افزایش آگاهی از حقوق شهروندی می‌داند. از نظر وی شهروندی کامل، برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است. (پارسونز، ۱۹۷۱)

1. Seaman
2. Gurr
3. Lippmann
4. Privatism
5. Universalism

با توجه به موارد یاد شده، چارچوب نظری بر اساس یک رویکرد ترکیبی استخراج گردیده و به صورت زیر است:

۱. به منظور تحلیل ارتباط عناصر ساختاری و فاعلیت در شهروندی فعال از نظریه ساختاریابی گیدنز استفاده شده است. (گیدنز، ۱۳۸۷) همچنین برای ساخت سازه شهروندی فعال و ابعاد آن از نظریات هابرماس (۱۹۹۴)، پارسونز و تحقیق بنیاد شهروندی فعال (هاسکینز، ۲۰۰۶) استفاده شده است.
 ۲. جهت انتخاب برخورداری از حقوق شهروندی به عنوان متغیر موثر بر شهروندی فعال، از نظریه ژانوسکی استفاده شده است که بر آگاهی و برخورداری از حقوق شهروندی به عنوان محرکی برای افزایش مشارکت افراد در جامعه تاکید دارد (ژانوسکی، ۱۹۹۸). همچنین از نظریه ژانوسکی برای استخراج ابعاد برخورداری از حقوق شهروندی خصوصاً حقوق مشارکتی و ارتباط این متغیر با متغیر شهروندی فعال استفاده شده است. ژانوسکی حقوق و تعهدات شهروندی را در کنار عضویت فعال و منافع شهروندان درکشور همراه می‌داند و معتقد است که شهروندی منفعلی یعنی حق وجود داشتن و بهره‌مندی از حقوق، اما فعال بودن به معنای توانایی تأثیرگذاری بر سیاست‌هاست (همان).
 ۳. نظریه مارشال مبنی بر تأثیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی بر شهروندی، به عنوان پشتوانه نظری رابطه این دو متغیر به‌شمار می‌رود (مارشال، ۱۹۶۴).
 ۴. نظریه سیمن، منشا نظری احصا متغیر احساس بی‌قدرتی، به‌عنوان متغیر مستقل موثر بر شهروندی فعال (سیمن، ۱۹۵۹) و نظریه گور و لیپمن به‌عنوان نظریه‌های پشتیبان رابطه بین متغیر احساس محرومیت نسبی و شهروندی فعال هستند (هولندر، ۱۳۷۸).
 ۵. از نظریه شهروندی مشارکتی بگنال علاوه بر تبیین ارتباط دو متغیر مصرف رسانه‌ای و شهروندی فعال، در ساخت ابعاد شهروندی فعال نیز استفاده شده است (زپکه، ۲۰۱۳).
 ۶. به منظور تبیین رابطه عام‌گرایی و شهروندی فعال نیز از نظریات پارسونز و دورکیم استفاده شده است (پارسونز، ۱۹۷۱).
 ۷. جهت انتخاب برخورداری از حقوق شهروندی به عنوان متغیر موثر بر شهروندی فعال، از نظریه هابرماس استفاده شده است. برخورداری از حقوق شهروندی به عنوان عامل موثر و محرکی برای افزایش مشارکت افراد در جامعه است (هابرماس، ۱۹۹۴).
- لذا می‌توان ساخت روابط بین متغیرهای تأثیرگذار بر شهروندی فعال را به صورت تصویر شماره ۲ استخراج نمود:



تصویر شماره ۲- مدل نظری مبنی بر ساخت روابط بین متغیرهای تأثیرگذار بر شهروندی فعال و ابعاد آن

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر در زمره تحقیقات کمی است و با توجه به معیار زمان، پیمایشی و به‌صورت مقطعی انجام شده است. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات از دو روش اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. برای مطالعه نظریه‌ها و کسب اطلاعات به منابع و اسناد رجوع شده است و تکنیک استفاده شده در بخش میدانی، پرسش‌نامه محقق ساخته است.

برای تضمین اعتبار صوری، از نظر کارشناسان در بازبینی گویه‌ها بهره گرفته شد و برای ارزیابی پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ^۱ استفاده شد. جدول آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق که بر اساس اطلاعات پیش‌آزمون تهیه شد به شرح جدول شماره ۱ است.

جدول شماره ۱- ضرایب پایایی متغیرهای تحقیق و ابعاد متغیرها

متغیر	آلفای کرونباخ	ابعاد	آلفای کرونباخ	متغیر	آلفای کرونباخ	ابعاد	آلفای کرونباخ
شهروندی فعال	۰,۸۱۳	درگیری مدنی	۰,۸۲۳	برخورداری از حق شهروندی	۰,۸۱۷	حق دسترسی به خدمات	۰,۷۸۰
		درگیری سیاسی	۰,۸۷۹			حق پرسشگری	۰,۷۷۱
		درگیری اجتماعی	۰,۸۰۱			حق مشارکت	۰,۷۴۲
		مصرف رسانه‌ای	۰,۷۴۷			احساس محرومیت نسبی	۰,۸۲۱
		احساس بی‌قدرتی	۰,۷۳۹			عام‌گرایی	۰,۷۵۹

1. Cronbach's *alph*

همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشخص است میزان آلفای کرونباخ به‌دست آمده برای شاخص‌های تحقیق بزرگتر از ۰,۷۰ هستند و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی مطلوب بین گویه‌ها برای سنجش مفاهیم و پایایی لازم است.

معرفی متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته این تحقیق شهروندی فعال است. با توجه به تعریف نظری ارائه شده برای متغیر شهروندی فعال در بخش مبانی نظری، این متغیر شامل ابعاد درگیری مدنی^۱، درگیری سیاسی^۲ و درگیری اجتماعی^۳ است. درگیری اجتماعی، توانایی فرد در برقراری ارتباط با افراد خانواده، اجتماع و جامعه جهانی است. در این تحقیق، توان بازاندیشی، قانون‌پذیری و مشارکت اجتماعی از ابعاد درگیری اجتماعی هستند. توان بازاندیشی، حساسیت و تاثیرپذیری شهروند را در تجدید نظر مداوم نگرش‌های اجتماعی و روش‌های مشارکت اجتماعی بر اساس اطلاعات یا دانش نوین نشان می‌دهد. درگیری سیاسی، انجام کنش سیاسی به‌صورت آگاهانه، اختیاری، مستقیم و به قصد تاثیرگذاری در سیاست‌گذاری عمومی است که نیازمند مهارت و علاقه سیاسی هستند. در این تحقیق، ابعاد درگیری سیاسی، مشارکت سیاسی، علاقه سیاسی و سواد سیاسی هستند. درگیری مدنی توانایی فعالیت در ساختارهای جامعه مدنی در قالب فعالیت‌های مشترک غیر تحمیلی، حول منافع، اهداف و ارزش‌های مشترک است که ابعاد آن تعهد مدنی، مهارت مدنی و مشارکت مدنی است. استفاده از واژه درگیری به دلیل دربرداشتن مفهوم کلی تری شامل عناصر ذهنی و عینی مشارکت مورد استفاده قرار گرفته است.

متغیرهای احساس بی‌قدرتی، عام‌گرایی، مصرف رسانه‌ای، احساس محرومیت نسبی و متغیر برخورداری از حقوق شهروندی، با ابعاد حق‌پرسشگری، حق مشارکت و حق دسترسی به خدمات، متغیرهای مستقل تحقیق هستند.

مصرف رسانه‌ای، میزان استفاده کاربران از بخش‌های مختلف یک یا چند رسانه همگانی است. محرومیت نسبی اشاره به احساسی دارد که فرد با مقایسه خود نسبت به دیگر افراد جامعه به لحاظ برخورداری از فرصت‌ها و امکانات مادی با دیگران تجربه می‌کند. عام‌گرایی، نوعی جهت‌گیری ارزشی است که زمینه را برای بروز و ظهور کنش‌های منطقی مبتنی بر قواعد عام فراهم می‌نماید.

1. Civic Envolvement
2. Political Envolvement
3. Social Envolvement

۴. درگیری اشاره به مفهومی عام‌تر از مشارکت دارد و عناصر ذهنی و عینی مشارکت هدفمند، فعال و مستمر را از فرایند تصمیم‌گیری، ایده‌پردازی، مطالبه‌گری تا اجرا مدنظر دارند.

احساس بی‌قدرتی احساسی است که فرد احتمال می‌دهد عمل او در اجتماع بی‌تأثیر باشد و نتایج مورد انتظار او را برآورده نسازد. متغیر برخورداری از حقوق شهروندی دارای ابعاد حق دسترسی به خدمات، حق پرسشگری و حق مشارکت است.

جمعیت آماری و نمونه تحقیق

جمعیت آماری شامل کلیه شهروندان بالای ۱۸ سال ساکن در نقاط شهری مناطق ۲۲ گانه شهر تهران است که تعداد آن‌ها براساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ برابر با ۸,۲۴۴,۷۵۹ نفر (یعنی ۹۹,۴٪ از کل جمعیت ۸,۲۹۳,۱۴۰ مناطق ۲۲ گانه شهر تهران) است. با در نظر گرفتن بالاترین واریانس ممکن، حجم نمونه تحقیق با استفاده از فرمول عمومی کوکران برابر ۱۲۰۰ نفر برآورد شده است. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی^۱ در سطح مناطق ۲۲ گانه شهر تهران تخاب شده‌اند. انتخاب افراد نمونه نیز با مراجعه به سطح محلات و با مراجعه به درب منازل به صورت تصادفی بوده است.

نتایج پژوهش

بیش از نیمی از پاسخ‌گویان جمعیت مورد مطالعه (۵۱ درصد) مرد و ۴۹ درصد زن هستند. دامنه سنی پاسخ‌گویان بین ۱۸ تا ۶۵ سال و میانگین سن پاسخ‌گویان ۳۷ سال است. ۵۲ درصد از پاسخ‌گوبان متأهل و ۴۹ درصد شاغل هستند. از بین شاغلان، ۳۹ درصد کارمند اداری و ۳۵ درصد دارای مشاغل آزاد بوده‌اند. بیش از دوسوم جمعیت مورد مطالعه دارای تحصیلات لیسانس و دیپلم (هر کدام ۳۶ درصد) هستند. دامنه درآمد ماهیانه پاسخ‌گویان بین صد هزار تومان تا بیست میلیون تومان و متوسط درآمد ماهیانه جمعیت مورد مطالعه ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است. تحلیل وضعیت جمعیت نمونه از نظر متغیر شهروندی فعال و خصوصاً بررسی ابعاد این متغیر، نتایج قابل تحلیل و تعمیقی را ارائه می‌دهد. میزان متغیر شهروندی فعال برای ۴۳/۲ درصد از پاسخ‌گویان در حد کم، ۳۱/۷ درصد در حد متوسط و فقط ۱۸ درصد در حد زیاد است. با توجه به این که میانگین متغیر شهروندی فعال ۱۳۲/۳۵ محاسبه شده است، لذا می‌توان گفت میزان درگیری‌های مدنی، اجتماعی و سیاسی در جمعیت مورد مطالعه در حد پایین است.

جدول شماره ۲- توزیع پاسخ‌گویان بر حسب شهروندی فعال و ابعاد آن

شرح	شهروندی فعال		درگیری مدنی		درگیری اجتماعی		درگیری سیاسی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کم/پائین	۵۱۹	۴۳/۲	۴۴۶	۳۷/۲	۵۳۷	۴۴/۸	۴۳۷	۳۶/۴
متوسط	۳۸۰	۳۱/۷	۵۱۶	۴۳	۴۱۲	۳۴/۴	۴۳۹	۳۶/۶
زیاد/بالا	۲۱۶	۱۸	۲۰۳	۱۶/۹	۲۲۷	۱۸/۹	۲۹۵	۲۴/۶
بدون پاسخ	۸۵	۷/۱	۳۵	۲/۹	۲۴	۰/۲	۲۹	۲/۴
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰

در بررسی ابعاد شهروندی فعال، میزان درگیری مدنی ۳۷/۲ درصد در حد کم، ۴۳ درصد متوسط و ۱۶/۹ درصد در حد زیاد ارزیابی شده است. نتایج تحقیق به خوبی نشان داد که افراد جمعیت مورد مطالعه در حد کم به وظایف مدنی خود آشنا هستند به گونه‌ای که می‌توان گفت تنها ۱۳/۲ درصد در حد زیاد به وظایف مدنی خود آشنا هستند. همچنین وضعیت پاسخ‌گویان از نظر بعد مهارت مدنی مطلوب نیست، به نحوی که میزان مهارت‌های مدنی ۴۵/۶ درصد از پاسخ‌گویان در حد کم است. پاسخ‌گویان نسبت به انجام مواردی مانند مکاتبه با سازمان‌های دولتی و یا اقدام برای دریافت فرصت ملاقات با مقامات دولتی، احساس ناتوانی می‌کنند. بررسی توزیع پاسخ‌گویان در مشارکت مدنی، در مواردی که صرفاً نیاز به همکاری به صورت تماس با نیروی انتظامی و اعلام جرایمی مانند خرید و فروش مواد مخدر مطلوب است. به نحوی که میزان مشارکت مدنی ذهنی بیش از ۴۷/۱ درصد از پاسخ‌گویان در حد کم ارزیابی شده است و شهروندان تمایلی به مشارکت فعال به گونه‌ای که مطالبه‌گری خود را به صورت رسمی ثبت نمایند ندارند و نسبت به مواردی مانند ملاقات عمومی با مسئولین و یا تماس و پی‌گیری از سامانه‌های شهرداری و سایر دستگاه‌ها که نیاز به درج مشخصات شهروندان دارد، اظهار تمایل نمی‌کنند.

میزان درگیری اجتماعی ۴۴/۸ درصد از پاسخ‌گویان در حد کم و در مقابل میزان درگیری اجتماعی ۱۸/۹ درصد در حد زیاد است. لذا می‌توان گفت میزان درگیری اجتماعی در جمعیت مورد مطالعه در حد پایین است. میزان توانایی بازاندیشی اطلاعات اجتماعی در ۴۴/۸ درصد از جمعیت مورد مطالعه در حد کم ارزیابی شده است. این بعد به توانایی پاسخ‌گویان در یادگیری و روزرسانی فرهنگ صحیح زندگی در جامعه، آشنایی با اخبار رویدادها، مسایل اجتماعی مانند فقر و بیکاری در ایران و جهان و آگاهی و حساسیت نسبت به روش‌های حفظ محیط زیست مرتبط است.

هم‌چنین میزان قانون‌پذیری نیز در جمعیت مورد مطالعه در حد متوسط است. میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در قالب ترغیب دیگران به تغییر دیدگاه و یا شرکت در فعالیتهای جمعی اعم از اجتماعی، هنری و غیره بسیار پایین است و در صورتی که تمایلی به فعالیت داشته باشند، بیشترین فعالیت مشارکتی اجتماعی شهروندان، همکاری در امور موسسات خیریه، مسجد و هیأت‌های مذهبی، امور مدرسه، دانشگاه یا محل کار است. تمایل به تلاش برای تغییر دیدگاه دیگران با گفت‌وگوی مجازی (چت کردن) یا نظر دادن (کامنت گذاشتن) در وبلاگ‌ها یا شبکه‌های اجتماعی از قبیل تلگرام، لاین و شبکه‌های مجازی و همچنین شرکت در انجمن‌های محلی حفظ محیط زیست از میانگین پایین‌تری نسبت به سایر معرف‌ها برخوردار است.

در زمینه بعد درگیری سیاسی، در تمام مولفه‌ها می‌توان شهروندان را در حد ضعیف ارزیابی نمود. میزان درگیری سیاسی ۳۶/۴ درصد از پاسخ‌گویان در حد کم و در مقابل میزان درگیری سیاسی ۲۴/۶ درصد در حد زیادی است. با توجه به این‌که میانگین درگیری سیاسی ۳۴/۱۵ محاسبه شده است، لذا می‌توان گفت میزان درگیری سیاسی در جمعیت مورد مطالعه در حد پائین است. این مساله در مورد تمام مولفه‌های درگیری سیاسی اعم از علاقه سیاسی، سواد سیاسی و مشارکت سیاسی وجود دارد. گرچه نتایج نشان داده است که شهروندان از سواد سیاسی متوسطی برخوردارند، یعنی با روند برگزاری انتخابات‌ها و وظایف و نقش قانون‌گذارانی که در مجلس‌های مختلف به انتخاب مردم به سیاست‌گذاری کلان و قانون‌گذاری مشغولند واقفند، اما علاقه‌ای به درگیر شدن در مسایل سیاسی داخلی و خارجی ندارند که در بعد علاقه سیاسی و مشارکت سیاسی از درگیری سیاسی به‌خوبی خود را نشان داده است. شهروندان تمایلی به پی‌گیری یا بحث در مورد مسایل سیاسی داخلی و خارجی ندارند و در بعد عملی و رفتاری آن هم تمایلی به عضویت در ستادهای انتخاباتی کاندیداها، شرکت در جلسات و سخنرانی‌های سیاسی، نوشتن مقاله به روزنامه‌ها در رابطه با تحلیل مسایل سیاسی کشور و یا کاندید شدن برای شوراهای محله و شورایی‌ها نشان نمی‌دهند. دلیل چنین نگاهی را می‌توان به خوبی در تحلیل روابط بین متغیرهای مستقل و تاثیرگذار بر شهروندی فعال تحلیل نمود که در بخش بحث و نتیجه‌گیری به تفصیل به این مهم پرداخته شده است.

توزیع پاسخ‌گویان بر میزان محرومیت نسبی نشان می‌دهد که ۲۸ درصد در حد کم، ۳۵ درصد در حد متوسط و ۳۶ درصد در حد زیادی احساس محرومیت نسبی می‌کنند. با توجه به این‌که میانگین احساس محرومیت نسبی ۱۷ محاسبه شده است، لذا می‌توان گفت میزان احساس محرومیت نسبی در جمعیت مورد مطالعه در حد بالا است.

جدول شماره ۳- توزیع پاسخ‌گویان بر اساس میزان احساس محرومیت نسبی

احساس محرومیت نسبی	فراوانی	درصد
کم	۳۳۷	۲۸/۱
متوسط	۴۱۴	۳۴/۵
زیاد	۴۳۶	۳۶/۳
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰

میانگین احساس محرومیت نسبی زنان و مردان با هم برابر است و تفاوت آماری بین میانگین این متغیر بر اساس جنس وجود ندارد. همچنین با افزایش تحصیلات، احساس محرومیت نسبی افزایش و با افزایش درآمد کاهش می‌یابد

میزان عام‌گرایی ۱۷ درصد از پاسخ‌گویان در حد کم، ۴۳/۲ درصد در حد متوسط و ۳۹/۲ درصد در حد زیادی ارزیابی شده است. با توجه به این که میانگین عام‌گرایی ۱۹/۴۰ شده است، لذا می‌توان گفت میزان عام‌گرایی در جمعیت مورد مطالعه در حد بالایی است.

جدول شماره ۴- توزیع پاسخ‌گویان بر اساس متغیر میزان عام‌گرایی

شرح	فراوانی	درصد
کم	۲۰۴	۱۷
متوسط	۵۱۹	۴۳/۲
زیاد	۴۷۰	۳۹/۲
بدون پاسخ	۷	۰/۶
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰

مطابق آزمون مقایسه میانگین، بین میزان عام‌گرایی زنان و مردان تفاوت معنی داری وجود ندارد. میزان عام‌گرایی زنان برابر ۱۹/۵۰ و میزان عام‌گرایی مردان برابر ۱۹/۳۰ است.

جدول شماره ۵- توزیع پاسخ‌گویان بر اساس میزان مصرف رسانه‌ای

شرح	فراوانی	درصد
کم	۲۸۱	۲۳/۴
متوسط	۳۰۳	۲۵/۳
زیاد	۶۱۶	۵۱/۳
جمع	۱۲۰۰	۱۰۰

میزان برخورداری از حق شهروندی برای ۳۶/۲ درصد از پاسخ‌گویان در حد کم، ۴۱/۷ درصد در حد متوسط و در مقابل برای ۲۰/۸ درصد در حد زیاد است. با توجه به این که میانگین برخورداری از

حق شهروندی ۳۵/۵۹ برآورد شده است، لذا می‌توان گفت میزان برخورداری از حق شهروندی در جمعیت مورد مطالعه در حد متوسط و رو به پایین است.

نتایج حاکی از این است که میزان دسترسی به خدمات را در حد متوسط و تاحدودی میتوان گفت زیاد ارزیابی کرده‌اند. به نحوی که ۷۹ درصد از پاسخ‌گویان میزان برخورداری از حقوق دسترسی به خدمات را در حد متوسط و زیاد ارزیابی کرده‌اند. اما پاسخ‌گویان معتقدند که دارای حق پرسشگری بالایی نیستند به نحوی که حدود ۸۷ درصد از پاسخ‌گویان حق پرسشگری خود را در حد پائین و متوسط ارزیابی کرده‌اند. همچنین پاسخ‌گویان برخورداری از حق مشارکت خود را نیز کم ارزیابی نموده‌اند. به گونه‌ای که ۷۸ درصد از پاسخ‌گویان برخورداری از حق مشارکت خود را کم و متوسط ارزیابی کرده‌اند.

جدول شماره ۵- توزیع پاسخ‌گویان بر اساس برخورداری از حقوق شهروندی و ابعاد آن

شرح	برخورداری از حقوق شهروندی		حق دسترسی به خدمات		حق پرسشگری		حق مشارکت	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
کم/پائین	۴۳۵	۳۶/۲	۲۴۵	۲۰/۴	۵۵۶	۴۶/۳	۵۰۹	۴۲/۴
متوسط	۵۰۰	۴۱/۷	۵۱۱	۴۲/۶	۳۹۵	۳۲/۹	۴۳۰	۳۵/۸
زیاد/ بالا	۲۴۹	۲۰/۸	۴۳۹	۳۶/۶	۲۴۵	۲۰/۴	۲۵۰	۲۰/۸۳
بدون پاسخ	۱۲۰۰	۱۰۰	۵	۰/۴	۴	۰/۳	۹	۰/۸
جمع	۱۶	۱/۳	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰	۱۲۰۰	۱۰۰
میانگین وزنی			۲/۱۶			۱/۷۳		

نتایج آزمون مقایسه میانگین نشان می‌دهد که بین میانگین میزان مصرف رسانه‌ای زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین افراد با سطح تحصیلات کم‌تر بیشتر از تلویزیون ملی و رادیو و افراد با تحصیلات بیشتر از روزنامه، سایت‌های اینترنتی و ماهواره استفاده میکنند. در مورد شبکه‌های مجازی، ارتباط معناداری بین میزان استفاده از شبکه‌های مجازی و سطح تحصیلات وجود ندارد. بین گروه‌های درآمدی مختلف، تفاوت معنی داری از نظر متغیر مصرف رسانه‌ای وجود ندارد.

برای مطالعه تاثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته شهروندی فعال از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. متغیرهای «سن»، «پایگاه اقتصادی-اجتماعی»، «مصرف رسانه‌ای»، «احساس محرومیت نسبی»، «احساس بی‌قدرتی»، «عام‌گرایی» و «برخورداری از حقوق شهروندی» متغیرهای مستقل و واسط معرفی شدند و متغیر وابسته اصلی و نهایی این پژوهش

«شهروندی فعال» است. برای محاسبه معادله رگرسیونی برای انتخاب متغیرهای معادله رگرسیونی از روش گام به گام^۱ استفاده شده است.

جدول شماره ۶- خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون

شاخص	ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ²)	سطح معناداری
مقدار	۰/۶۳۳	۰/۴۰	۰/۰۰۱

مجذور ضریب همبستگی چندگانه تعدیل شده^۲ یا همان ضریب تعیین برابر با ۰/۴۰ است. این ضریب نشان دهنده این است که متغیرهای مستقل توانسته‌اند ۴۰ درصد تغییرات واریانس متغیر وابسته را تبیین کنند. نتایج تحلیل واریانس یکطرفه ANOVA معناداری ضریب تعیین را نشان می‌دهد. بر این اساس، مقدار F (نسبت متوسط واریانس رگرسیون به متوسط واریانس باقیمانده) برابر ۴۶/۳۴ و دارای سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. لذا می‌توان گفت مقدار ضریب تعیین برای تبیین متغیر وابسته در حد مطلوبی است.

جدول شماره ۷- ضرایب تحلیل رگرسیون عوامل موثر بر شهروندی فعال

متغیرهای مستقل	ضریب بتا (Beta)	مقدار t	سطح معناداری
مقدار ثابت	--	۲/۵۹	۰/۰۰۰
برخورداری از حقوق شهروندی	۰/۲۵۱	۷/۰۶	۰/۰۰۰
عام‌گرایی	۰/۲۳۰	۵/۲۸	۰/۰۰۰
احساس محرومیت نسبی	-۰/۱۸۱	۴/۸۲	۰/۰۰۰
احساس بی‌قدرتی	-۰/۱۶۳	-۴/۴۵	۰/۰۰۰
مصرف رسانه‌ای	۰/۱۲۹	-۲/۴۷	۰/۰۰۰
سن	۰/۰۵	۱/۷۲	۰/۲۱۶
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۰۱	۰/۴۲	۰/۶۱۷

طبقه یافته‌های جدول شماره ۷، اولین متغیری که بیشتر از سایر عوامل بر شهروندی فعال تاثیر دارد، متغیر برخورداری از حقوق شهروندی با ضریب بتای ۰/۲۵۱ است. بنابراین می‌توان گفت

1. StepWise

۲. از آنجاییکه ضریب تعیین تعداد درجات آزادی را به حساب می‌آورد استفاده از ضریب تعیین تعدیل یافته نسبت به ضریب تعیین حقیقی تر است. زیرا این شاخص وابسته به تعداد متغیرهای مدل نیست.

پاسخ‌گویان هر چقدر بیشتر از حقوق شهروندی برخوردار باشند، جهت‌گیری فعال‌تری نسبت به شهروندی دارند و برعکس. دومین متغیر میزان عام‌گرایی با بتای ۰/۲۳۰ و متغیرهای دیگر به ترتیب احساس محرومیت نسبی با ضریب بتای ۰/۱۸-، احساس بی‌قدرتی با ضریب بتای ۰/۱۶- و مصرف رسانه‌ای با ضریب بتای ۰/۱۲ هستند. پایگاه اقتصادی-اجتماعی و سن با توجه به سطح معنی‌داری و ضریب بتای بسیار پایین از معادله رگرسیون حذف شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مروری بر ادبیات تجربی و نظری حوزه شهروندی نشان می‌دهد که حقوق و شیوه‌های قانونی به تنهایی برای شکوفایی دموکراسی و ایجاد شهروندانی فعال کفایت نکرده و کیفیت حکمرانی دموکراتیک بر فضیلت‌های مدنی و تعامل شهروندان خود متکی است (آلموند و وربا، ۱۹۶۳؛ پاتنام و سانوف، ۲۰۰۰).

می‌توان گفت شهروندی سکه ای دو رویه است. مؤلفه‌های فعال، عموماً به «انجام‌دادن»^۱ و سویه منفی آن عموماً به «بودن»^۲ مربوط می‌شود. «انجام‌دادن» ارتباط بیشتری با شهروندی به‌مثابه یک کنشگر فعال و «بودن» نیز ارتباط بیشتری با شهروندی به‌مثابه یک موقعیت دارد. شهروندی فعال روی اول این سکه و روشی برای قدرت‌دهی به شهروندان جهت شنیده شدن صدایشان درون جامعه می‌تواند جواب‌گوی مشکلاتی باشد که شهروندی مدعی پاسخ‌گویی به آن‌ها است. شهروندی فعال احساس تعلق و متصل شدن به جامعه‌ای است که در آن دموکراسی، برابری و درک تفاوت‌های فرهنگی و عقاید متفاوت ارزشمند است. (صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷: ۴۶۲)

شهروندی فعال با تأکید بر مشارکت سعی در تغییر رویکرد شهروندی از شهروندی مبتنی بر حقوق به شهروندی مبتنی بر مسئولیت‌ها و مشارکت دارد. تا از این طریق علاوه بر تحقق اهداف شهروندی، بتواند جواب‌گوی مشکلات و چالش‌های آن نیز باشد. در این تحقیق، شهروندی فعال در سه شاخص درگیری مدنی، اجتماعی و سیاسی مورد سنجش قرار گرفته است.

در بعد درگیری مدنی، داشتن تعهد ذهنی و انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی مدنظر است که لازمه آن نهادهای مبتنی بر جامعه مدنی است. بر این اساس، تعریف درگیری عمومی به رسالت انتقاد و نظارتی اشاره دارد که شهروندان را به‌طور غیررسمی در برابر طبقه حاکم قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر تنها آن بخشی از جامعه که در گفت‌وگویی برابر درباره مسایل عمومی

1. Doing
2. Being

وارد می‌شود، در حیطه حوزه عمومی قرار می‌گیرد. و ویژگی اصلی جامعه مدنی عبارتند از وجود شهروندانی فعال و دارای روحیه جمعی، روابط سیاسی برابر و بافت اجتماعی برخوردار از اعتماد و همکاری (پاتنام، ۲۰۰۰)

نتایج بررسی درگیری مدنی شهروندان تهرانی در سه بعد تعهدات مدنی، مشارکت مدنی و مهارت مدنی، نشان داد شهروندان تهرانی به وظایف مدنی خود واقف نیستند، نسبت به مسایل اجتماعی مانند فقر، بیکاری، فساد و غیره حساسیت لازم را ندارند و به لحاظ ذهنی آمادگی و مهارت مشارکت فعال در اموری مانند مسایل زیستی، مسایل مرتبط با ارزش‌های دموکراتیک مانند آزادی، برابری و غیره را ندارند. بدیهی است که تحلیل وضعیت شهروندی مدنی در تهران، در قدم اول ریشه در مسایل ساختاری جامعه مدنی در ایران دارد. در بررسی علل عدم شکل‌گیری جامعه مدنی در ایران از جمله فرهنگ سیاسی، ساختار اجتماعی و طبقات قدرت نقش مهمی داشته‌اند اما با توجه به سطح تحلیل این پژوهش، در کنار عوامل یاد شده، پایین بودن میزان مشارکت‌های مدنی در ایران ریشه در آگاهی کم شهروندان نسبت به تعهدات مدنی خود به مثابه یک شهروند و همچنین ریشه در مهارت مدنی پایین بسیاری از شهروندان دارد. نتایج حاکی از این است که مشارکت مدنی شهروندان تهرانی در مواردی که صرفاً نیاز به همکاری به صورت تماس با نیروی انتظامی و اعلام جرایمی مانند خرید و فروش مواد مخدر باشد، مطلوب است. شهروندان تمایلی به مشارکت فعال به‌گونه‌ای که مطالبه‌گری خود را به صورت رسمی ثبت نمایند ندارند و یا نسبت به مواردی مانند ملاقات عمومی با مسئولین و یا تماس و پی‌گیری از سامانه‌های شهرداری و سایر دستگاه‌ها که نیاز به درج مشخصات شهروندان دارد، اظهار تمایل نمی‌کنند. همچنین در صورت بیان انتقاد خود، تمایلی به پیگیری مطالبه خود و مشارکت در تحقق هدف و ایده خود ندارند. نتایج حاصل از مطالعه کیفی نیز در تصدیق موارد یاد شده نشان می‌دهد شهروندان یا نسبت به نقش و اهمیت و انواع سازوکارهای موجود برای مشارکت‌های مدنی بی‌اطلاع هستند و یا در صورت اطلاع، با بی‌اعتمادی نسبت به ابزارهای مشارکت مدنی یاد می‌کنند و آمیدی به حل مسایل از طریق گروه‌های واسط و یا انتقال انتقادات و پیشنهادهای خود با هدف تاثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های مهم ندارند. چراکه معتقدند این روش‌ها صرفاً نمایشی به شمار می‌روند.

میزان درگیری اجتماعی نیز در بین شهروندان تهرانی در حد مطلوبی نیست. زمانی که درگیری اجتماعی شهروندان در سه بعد توان بازاندیشی، قانون‌پذیری و مشارکت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت، نشان می‌دهد که توان بازاندیشی شهروندان بسیار پایین است. مشارکت اجتماعی چه در بعد ذهنی که بدین معنی که نسبت به یادگیری و بازبینی و در صورت لزوم آموزش فرهنگ صحیح زندگی در جامعه حساسیت، انگیزه، آگاهی و اطلاعات لازم را ندارند و به جای تلاش برای ارائه راه‌حل‌های خلاقانه جهت رفع مسایل و مشکلات فردی و خانوادگی، به صرفاً انتقاد در محافل

خانوادگی و فضای کسب و کار بسنده می‌کنند و چه در بعد عینی که شهروندان بدون الزام قانونی و اجبار، خود را متعهد به رعایت قانون نمی‌دانند و به قوانین و مقررات شهری، پرداخت به موقع مالیات، عوارض شهرداری، پرداخت به موقع قبوض و اقساط و غیره متعهد نیستند و تمایل قابل توجهی به مشارکت در اموری مانند همکاری در انجمن‌های محلی، حفظ محیط زیست، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی و شرکت در فعالیت‌های جمعی در زمینه هنر، ادبیات، جامعه یا فرهنگ ندارند. مقایسه میانگین حضور شهروندان در انواع مختلف محافل مرتبط با مشارکت‌های اجتماعی نشان می‌دهد که همچنان مشارکت‌های غیررسمی در فعالیت‌هایی از نوع اجباری و اقتصادی به دیگران را ارجح می‌دانند. برگزاری مراسم مذهبی در ماه‌ها و ایام خاص مذهبی، ساختن مساجد و حسینیه‌ها، کمک‌های متقابل در عروسی‌ها، جشن‌ها، سوگ‌ها و غیره، مصادیقی از این‌گونه مشارکت‌های غیررسمی به‌شمار می‌روند. نتایج نشان می‌دهد این فعالیت‌ها همچنان بر مشارکت‌های رسمی و نهادمند مانند انجمن‌های دانشگاه‌ها یا محل کار و با موضوع‌هایی حول مسایل غیرمادی مانند محیط زیست و آزادی برتری دارند. در صورتی‌که حضور در انجمن‌های مشارکتی، ضمن زنده نگه داشتن جامعه مدنی و تقویت مشارکت‌های اجتماعی و حیات عرصه عمومی، منجر به تعامل گسترده‌تر و آگاه‌تر شدن شهروندان با یکدیگر از خلال گفتگو نسبت به مسائل جامعه و عملکرد حکومت می‌شود و از این طریق شهروندان توانایی انتقادی بیشتری پیدا کنند و زمینه برای مشارکت و اثرگذاری هرچه بیشتر شهروندان فراهم می‌شود. لذا می‌توان گفت عوامل شخصیتی و فردی در کنار عوامل ساختاری وضعیت شهروندی فعال در حوزه مدنی و اجتماعی ایران را دچار آشفتگی کرده است. حوزه عمومی در ایران تحت سلطه و سیطره سازمان‌ها و تشکیلات دولتی قرار دارد. از دید شهروندان، این حوزه عمدتاً وسیله و ابزاری برای سوق دادن اذهان عمومی به سمت منافع دولتی است تا منافع خصوصی و دولتی به‌مثابه منافع عمومی جلوه‌گر می‌شود.

در مورد درگیری سیاسی شهروندان تهرانی نیز شرایط مشابه درگیری مدنی و اجتماعی است و شهروندان از نظر این بعد نیز ضعیف ارزیابی شده‌اند. در تمام ابعاد میزان درگیری سیاسی به جز دانش سیاسی شهروندان در حد پائینی است. با وجود این که شهروندان تهرانی از سواد سیاسی متوسط برخوردارند، اما میزان مشارکت سیاسی‌شان در حد پائینی است. شهروندان پیگیر مسایل سیاسی داخل و خارج کشور هستند و درباره مسایل سیاسی داخلی و خارجی با دیگران بحث می‌کنند. همچنین آشنایی خوبی با روند انتخابات ریاست جمهوری، وظایف و افراد شورای نگهبان، وظایف و نحوه فعالیت مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای شهر دارند، اما مشارکت سیاسی‌شان چندان مناسب نیست و در مواردی مانند عضویت در ستاد انتخاباتی کاندیداها، شرکت در جلسات و سخنرانی‌های سیاسی، نوشتن مقاله به یک روزنامه در رابطه با مسایل سیاسی کشور و کاندیدا شدن برای شورای محله، شویاری‌ها و غیره مشارکت مطلوبی

ندارند. این مساله در ایران ریشه در این تفکر دارد که عدم مشارکت سیاسی، به نوعی مبارزه و روشی برای نشان دادن نارضایتی تبدیل شده است.

با توجه به موارد یاد شده می توان گفت شهروندی فعال در جامعه ایران همچنان شکل نگرفته است و گرایش منفعل با ویژگی غالب مشارکت های سنتی و اقتصادی، وجه قالب شهروندی در ایران را شکل می دهد.

با توجه به این که سازمان های مدنی عرصه های برای فعالیت اجتماعی افراد بازی می کنند، انتظار می رود عضویت در آنها زمینه را برای مشارکت سیاسی افراد آماده تر نماید (پناهی و غیاثوند، ۱۳۹۰) اما نتایج تحلیل آماری تحقیق نشان می دهد که میزان درگیری سیاسی شهروندان با افزایش درگیری مدنی کاهش می یابد و بالعکس. احتمالاً تضادی بین دو نوع شهروندی فعال در جمعیت مورد مطالعه وجود دارد. به این معنا که فضیلت های مدنی دو نوع شهروندی در مقابل یکدیگر قرار دارند.

۱. شهروندی فعال معطوف به التزام سیاسی که هنجارهای رسمی را بازتاب می دهد. این شهروندان مشارکت سیاسی فعال در چارچوب مناسبات، قوانین و ابزارهای موجود را تحولی رو به جلو می دانند. عمل به قوانین و شرکت در انتخابات را مهم ترین وظیفه سیاسی خود در راستای حفظ نظم موجود می دانند. به لحاظ ویژگی های فردی و اجتماعی، افرادی که در این گرایش دسته بندی شده اند بیشتر شهروندان مسن، افراد با تحصیلات کم تر از لیسانس و افرادی که بیشتر از صدا و سیمای ملی استفاده می کنند را تشکیل می دهند.

۲. گونه دوم را شهروندان فعال معطوف به درگیری مدنی تشکیل می دهند که با احترام به دموکراسی و حقوق بشر، شهروندی انتقادی و اعتراضی را ملاک قرار می دهند و ساختارها و ابزارهای مشارکت سیاسی فعلی را به چالش می کشند. در انجمن های مدنی شرکت دارند. دغدغه های اجتماعی و مدنی در سطح جهانی دارند. به لحاظ ویژگی های فردی و اجتماعی، پاسخ گویان جوان تر، دارای تحصیلات بالاتر از لیسانس که از رسانه های مطبوعات و سایت های اینترنتی استفاده می کنند در این دسته قرار گرفته اند.

پایگاه اقتصادی و اجتماعی و همچنین میزان استفاده از فضای مجازی و تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی، مقوله تعیین کننده ای دسته بندی های یاد شده به شمار نمی رود.

درگیری اجتماعی در هر دو دسته یاد شده بالا است اما میزان ابعاد درگیری اجتماعی شامل قانون پذیری، باز اندیشی اجتماعی و مشارکت اجتماعی در این دو گروه متفاوت است. به گونه ای که در گروه اول (شهروندی فعال معطوف به التزام سیاسی) قانون پذیری بالاتر از گروه دوم (شهروندان فعال معطوف به درگیری مدنی) است اما میزان بازاندیشی اجتماعی پایین تر از گروه دوم است. میزان مشارکت اجتماعی در هر دو گروه بالا است اما تحلیل داده های گویه های میزان مشارکت اجتماعی نشان می دهد که در گروه اول، مشارکت اجتماعی از نوع " همکاری در امور موسسات

خیریه، مسجد و هیأت‌های مذهبی، امور مدرسه، دانشگاه یا محل کار" و همچنین "ترغیب کسی به حمایت از فعالیت اجتماعی مثلاً حمایت از حقوق کودکان کار یا انجام کارهای خیریه" بالاتر است و در گروه دوم، مشارکت اجتماعی از نوع "فعالیت در انجمن‌های محلی حفظ محیط زیست" و "ن تلاش برای تغییر دیدگاه کسی با گفت‌وگوی مجازی (چت کردن) یا نظر دادن (کامنت گذاشتن) در وبلاگ‌ها یا شبکه‌های اجتماعی" و "شرکت در فعالیت‌های جمعی در زمینه هنر، ادبیات، جامعه یا فرهنگ" بالاتر است.

گونه اول را می‌توان شهروندی فعال ناظر بر درگیری سیاسی-اجتماعی و گونه دوم را می‌توان شهروندی فعال ناظر بر درگیری مدنی-اجتماعی نامید.

در این تحقیق، حقوق شهروندی در سه حیطه حق دسترسی به خدمات، حق پرسشگری و حق مشارکت مورد سنجش قرار گرفت و نتایج نشان داد شهروندان به لحاظ حق دسترسی به خدمات شرایط مطلوبی دارند و معتقدند دسترسی مناسبی به وسایل حمل و نقل عمومی مانند مترو، اتوبوس، تاکسی دارند. همچنین دسترسی مطلوب و متوسطی به اماکن فرهنگی مانند سینماها و فرهنگ‌سراها، فضاهای سبز مانند پارک‌ها و گردش‌گاه‌های شهری و... دارند. اما از سویی دیگر شهروندان از حق پرسشگری مطلوبی برخوردار نیستند بدین معنی که احساس می‌کنند بدون ترس از عواقب آن نمی‌توانند مشکلات و ناراحتی‌های خود را بیان کنند و به دنبال آن، قطعاً این حق پرسشگری را منجر به نتیجه نمی‌دانند و به لحاظ برخورداری از حق مشارکت نیز معتقدند شرایط مطلوبی ندارند. بدین معنی که علی‌رغم امکان بیان مشکلات، اعتقاد بر آن است که مدیران دولتی برای نظرات و توانایی مردم برای حل مشکلات جامعه اهمیت چندانی قایل نیستند و نقد و ارزیابی برنامه‌های دولتی از طرف مردم، نتیجه‌ای در تغییر برنامه‌ها و یا مدیران ندارد. از سویی دیگر هرچه میزان برخورداری شهروندان تهرانی از حقوق شهروندی در مواردی مانند حق دسترسی به خدمات شهری، برخورداری از حق پرسشگری، و برخورداری از حق مشارکت بیشتر باشد، میزان فعالیت‌شان در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و مدنی بیشتر خواهد شد. می‌توان گفت بر اساس نتایج این تحقیق، حقوق شهروندی قوی‌ترین رابطه را با شهروندی فعال دارد که در راستای تایید نظریه فالكس و ژانوسکی به‌مثابه پشتوانه نظری این رابطه مبنی بر اهمیت برخورداری از حقوق شهروندی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی بر توسعه شهروندی فعال در جامعه است (ژانوسکی، ۱۹۹۸).

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهد که ۲۵ درصد از واریانس شهروندی فعال را برخورداری از حقوق شهروندی پیش بینی می‌کند و این رابطه متقابل است و واریانس برخورداری از حقوق شهروندی توسط شاخص‌های درگیری مدنی و درگیری سیاسی و درگیری اجتماعی از شهروندی فعال پیش بینی می‌شوند. این مساله ضمن تایید نظریه ژانوسکی مبنی بر نقش آگاهی و برخورداری از حقوق شهروندی به‌مثابه عامل مهم افزایش مشارکت افراد در جامعه، نشان می‌دهد که قرار گرفتن

افراد در بسترهای فراهم شده مشارکت و عمل شهروندی، می‌تواند در سطح برخورداری افراد از حقوق شهروندی نیز موثر باشد. (همان)

یکی از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند شهروندان تهرانی را به شهروندانی فعال با وجه "انجام دادن" قویتر تبدیل نماید، کاهش احساس محرومیت نسبی شهروندان است. شهروندان تهرانی به لحاظ دسترسی به خوراک خوب و پوشاک خوب، برخورداری از امکان خرید مسکن مناسب، توانایی مالی جهت هزینه‌کردن برای تفریحات مانند: پذیرایی از مهمان، مسافرت و...، دسترسی به امکانات رفاهی (اتومبیل، موبایل، کامپیوتر) و برخورداری از فرصت‌ها و امکانات، تبعیض و محرومیت را مشاهده می‌کنند و ارتباط معکوس و قوی ای بین احساس محرومیت نسبی و میزان گرایش به شهروندی فعال در بین پاسخ‌گویان وجود دارد. مطابق نظریه گور، کارکردهای انسان‌ها در مشارکت اجتماعی و سیاسی متناسب با ظرفیت‌ها و احساس آن‌ها از میزان بهره‌گیری از امکانات جامعه است. لیپمن نیز بر فردگرایی حاصل از احساس محرومیت نسبی تاکید دارد و معتقد است که احساس محرومیت نسبی، فردگرایی افراد را افزایش داده و از این طریق بر مشارکت اجتماعی و سیاسی آن‌ها موثر است (هولندر، ۱۳۷۸). احساس محرومیت نسبی مهم‌ترین تاثیر خود را بر میزان احساس بی‌قدرتی در جمعیت مورد مطالعه گذاشته است که در حد متوسط رو به بالایی است. شهروندان به لحاظ ذهنی احساس می‌کنند از مهار پیامدها و کنترل رویدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عاجز هستند. چنین احساسی موجب شکل‌گیری این باور می‌شود که شهروندان احساس کنند در پیشرفت جامعه موثر نیستند و با مشارکت خود، به بهبود اوضاع جامعه کمک کنند. شهروندان در برخورد با اتفاقات جامعه، احساس ناتوانی می‌کنند و به این باور رسیده‌اند اعتراض به مقام‌های دولتی امکان‌پذیر است اما نتیجه‌ای ندارد. ارتباط مستقیم بین احساس محرومیت نسبی و احساس بی‌قدرتی با شهروندی فعال، بدین معنی است که هرچه شهروندان تهرانی احساس محرومیت نسبی بیشتری داشته باشند، خشم و نفرت و نارضایتی‌شان از دیگران و در مجموع از جامعه بیشتر می‌شود و مشارکت و درگیری سیاسی، اجتماعی و مدنی شهروندان کاهش می‌یابد. همچنین هر چه شهروندان احساس کنند که از مهار پیامدها و کنترل رویدادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی عاجز هستند و احساس بی‌قدرتی بیشتری نمایند به همان نسبت میزان درگیری سیاسی، اجتماعی و مدنی‌شان کاهش می‌یابد.

لیپمن نیز در نظریه خود-سوداندیشی خود بر محرومیت نسبی تاکید دارد و این‌گونه استدلال می‌کند که مشکلات و گرفتاری‌های روزمره افراد، برای مردم به نحو چشم‌گیری توجه برانگیزند و لذا نوعی فردگرایی نسبت به مسائل بیرونی بر رفتار آن‌ها حاکم می‌شود. (همان) در نتیجه چنین وضعیتی، انسان به افزایش سود خود می‌اندیشد. در صورتی که تقویت شهروندی فعال مبتنی بر تقویت ارزش‌های عام‌گرایی است. در یک فرهنگ عام‌گرا، افراد بر این باورند که قواعد و ارزش‌های

جامعه مهم‌تر و پایدارتر از منافع و خواست‌های آنان، بستگان و دوستانشان هستند. البته نتایج نشان داده است که به رغم رابطه معکوس بین متغیر عام‌گرایی و احساس محرومیت نسبی، به‌مثابه یک ظرفیت همیشگی فعالیت‌های مشارکتی در ایران، میزان عام‌گرایی در بین شهروندان تهرانی در حد مطلوبی است. بدین معنی که علاوه بر افراد خانواده و فامیل با افراد غریبه و سایر افراد اجتماع روابط و مناسبات اجتماعی دارند و شهروندان جامعه مورد مطالعه، با احترام به حقوق همه افراد و شناخت و حمایت از تنوع‌ها، بدون محوریت هویت‌های خاص به تعامل با شهروندان می‌پردازند. نتایج نشان داد هرچه برخورداری از ویژگی عام‌گرایی در شهروند بیشتر باشد، میزان درگیری سیاسی، اجتماعی و مدنی بیشتری نیز خواهند داشت که تاییدی بر نظریه پارسونز به‌مثابه پشتوانه نظری این رابطه به‌شمار می‌رود. همان‌طور که پارسونز معتقد است برای دستیابی به هویت عام شهروندی، یکی از هنجارهایی که باید گسترش یابد عام‌گرایی است. شهروندی محصول جامعه‌ای است که در آن هویت افراد نه بر اساس شبکه‌های قومی-قبیله‌ای و طایفه‌ای بلکه بر اساس و محور ارزش‌ها و هنجارهای عام تعیین می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که احساس تعلق از خانواده، هویت‌های جنسیتی و مذهبی به سمت انسان، هم نوع و شهروند در حال تغییر است.

در کنار موارد یاد شده، بر کسی پوشیده نیست که نقش رسانه‌ها و خصوصا فضای مجازی را نمی‌توان نادیده گرفت. بگنال معتقد است که تردید زندگی سیاسی و اجتماعی امروز در سراسر کشورهای دنیا با توجه به پیچیدگی ارتباطات و تنش‌های به‌وجود آمده متاثر و مستلزم یادگیری قواعد این فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی است. وی مهم‌ترین این آموزش‌ها را احترام شهروندان به یکدیگر، احترام به حق و حقوق همدیگر، روش‌های دمکراتیک برقراری ارتباط، آداب صحبت کردن، تساهل و تسامح نسبت به عقاید همدیگر، اقامه مدرک و دلیل پیش از صحبت کردن، خود را به جای دیگری گذاشتن، عدم تحمیل عقاید، احترام به برابری و فرصت‌های برابر در چارچوب ارزش‌های حاکم بر جامعه و کثرت‌گرایی می‌داند. رسانه‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات و ارتباطات خصوصا شبکه‌های مجازی در کنار آموزش رسمی از مهم‌ترین منابع این آموزش‌ها به‌شمار می‌روند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که گرچه میزان مطالعه روزنامه، مجله و... در بین شهروندان تهرانی وضعیت مطلوبی ندارد اما میزان استفاده از سایت‌های اینترنتی، رادیو، تلویزیون، ماهواره و خصوصا شبکه‌های مجازی (تلگرام، اینستاگرام، و...) در نزد شهروندان تهرانی بسیار گسترده است. هم‌چنین هرچه شهروندان تهرانی از رسانه‌های عمومی استفاده بیشتری داشته باشند میزان درگیری سیاسی، اجتماعی و مدنی در بین آنان افزایش می‌یابد که نشان دهنده همسویی نتایج تحقیق با بنیان نظری این رابطه (نظریه بگنال) است. (زپکه، ۲۰۱۳) شبکه‌های مجازی می‌توانند فضای گفتمانی‌ای را به تعبیر هابرماسی آن فراهم نمایند که ابزاری برای مشارکت‌های مدنی، اجتماعی و سیاسی به‌شمار می‌رود و مهم‌تر از همه امکان گفت‌وگوی آزاد، برابر و خلاقانه را برای این مشارکت فراهم آورند.

تقویت هنجارهای عام‌گرایی از طریق رسانه ملی و یا رسانه‌های فضای مجازی خود عاملی در جهت رشد آگاهی افراد جامعه از حقوق مسئولیت‌ها و وظایف شهروندی به‌شمار می‌رود. نکته مهم در تحقق حقوق مشارکتی شهروندی، نیاز به ایجاد سازوکاری است که ضمن پذیرش این مساله که مطالبه‌گری حق بدیهی شهروند به‌شمار می‌رود، بتواند شهروند را از مطالبه تا ایده پروری و مشارکت در اجرای ایده برای تغییر آنچه در ابتدا مورد انتقاد بوده است، همراهی نماید. صرفاً تحقق حقوق شهروندی بدون ابزارهای استفاده از آن نهایتاً شهروندان منفعل ایجاد خواهد نمود که مشارکت آن‌ها در حد صرفاً بیان اعتراض و نارضایتی باقی خواهد ماند. همچنین توجه ویژه به شکل‌گیری و تقویت شیوه‌های پاسخ‌گویی سیاسی مسئولین و مدیران به شهروندان نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری انگیزه مشارکتی در شهروندان دارد. این همان نیرویی است که شهروندی را از یک منزلت قانونی تثبیت شده و فراگیر نه فقط به یک مطالبه‌گر منتقد صرف بلکه به ایده پرداز و عامل تغییر تبدیل می‌نماید. قدم بعد به حداقل رساندن نقش دولت و افزایش میزان مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی شهروندان است که با فراهم کردن زمینه جهت مشارکت شهروندان در امور مختلف محله و شهر و کشور و ارایه بازخورد توسط مسئولان مربوطه به شهروندان محقق می‌گردد که زمینه لازم جهت افزایش مشارکت و تاثیرگذاری شهروندان در امور شهری را به مفهومی که در شهروندی فعال مورد توجه قرار می‌گیرد فراهم می‌آورد.

منابع

- پناهی، محمدحسین و احمد غیاثوند (۱۳۹۰) وضعیت موجود و مطلوب شهروندی اجتماعی در تهران و راهکارهای ارتقای آن، "در مجموعه مقالات همایش علمی شهرداری به منزله نهاد اجتماعی"، تهران: انتشارات تیسرا.
- چاندوک، نیرا (۱۳۷۷)، *جامعه مدنی و دولت کاوش‌هایی در نظریه سیاسی*، مترجم: فریدون فاطمی و وحید برزگی، تهران: نشر مرکز.
- شیانی، م. و فاطمه صدیقی (۱۳۹۴)، نگرش به انگاره هنجارین شهروندی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره پانزدهم، شماره ۴.
- شیانی، ملیحه و سیاوش فاطمی‌نیا (۱۳۸۸)، میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی، *فصلنامه راهبرد یاس*، شماره ۱۸.
- شیانی، ملیحه؛ صادقی، فاطمه (۱۳۸۸)، تحلیلی بر وضعیت شهروندی در شهر تهران، *مجله مطالعات اجتماعی*، دوره ۳، شماره ۲.

- صرافی، مظفر و عبداللهی، مجید (۱۳۸۷)، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، *مجله پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۶۳.
- غفاری‌نسب، اسفندیار (۱۳۹۱)، نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی شهری، *مطالعات شهری*، سال دوم، شماره دوم، بهار.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۰)، "گرایش به شهروندی سیاسی و عوامل موثر بر آن"، رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبایی
- فالكس، کیث (۱۳۸۱)، *شهروندی*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۱)، *نظریه رفاه-سیاست اجتماعی چیست؟*، ترجمه هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، *تجدد و تخصص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشر نی.
- نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۰) مهاجرت، سیاست و شهروندی، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره ۱۰.
- هولندر، ادوین پی (۱۳۷۸) روان شناسی اجتماعی، مترجم: احمد رضوان، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی
- یوسفی، علی و عظیمی هاشمی، مژگان (۱۳۸۷) احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم شماره ۳ و ۴.
- Active Citizenship Foundation (2011), *A Europe of Active Citizens: Assessment, Policy Responses and Recommendations on Active Citizenship Education*. International conference, Budapest, November 11.
- Alejandro, Roberto (1993), *Hermetics, Ccitizenship and The Public Sphere*, State University of Newyork Press.
- Almond, Gabriel A., and Sidney Verba. (1963), *The Civic Culture*. Boston: Little, Brown.
- Calhoun Frey, B, S (1993), *Flexible citizenship for a global society*, Politics, philosophy & economics Journal, 2(1).
- Castles, Stephen and Davidson, Alastair. (2000), *Citizenship and Migration: Globalization and Politics of Belonging* . London Mac Millan.
- Dahrendorf,R(1994), "Citizenship and Byond: The social Dynamics of an Idea", in B.S Tuner and P.Hamilton(ed) *Citizenship Critical Consept*, London: Routledge.
- Dalton,Russell(2006), *citizenship norms and political participation in America: the good news is the bad news is wrong*, center for the study of democracy, university of California
- Frey, B, S (2003). *Flexible citizenship for a global society. Politics, philosophy & economics Journal*, 2(1).
- Habermas, J (1994). *Citizenship and National Identity*, in B. Van Steenbergem (ed). *The Condition of Citizenship*. London: Sage, PP: 20-35.

- Hoskins, B et al. (2006). Measuring Active citizenship, Institute for the Protection and Security of the Citizen, *Crell Research Paper 4*, EUR 22530 EN.
<http://line.fi/en/article/research/220132/three-perspectives-on-active-citizenship-in-lifelong-and-life-wide-education-research-reports>.
- Janoski, T (1998), *Political citizenship: Foundations of rights*. Handbook of citizenship studies..
- Macintyre, A. (1981), *After virtue*, London: Duckworth.
- Marshall, T. H. (1964), *Class, Citizen and social Development*. Chicago: University of Chicago Press.
- Mascherini, Massimiliano, Rita Manca, Anna, Hoskins Bryony(2009), The characterization of Active Citizenship in Europe, *JRC scientific and technical*
- Packham, C. (2008). Active citizenship and community learning. *Learning Matters*.
- Parsons, T. (1971), *The System of Modern Societies*. Englewood
- Putnam, H & Sanoff, H (2000) Community Participation Methods in Design and Planning, *John Wiley & Sons, INC*.
- Seaman, M(1959), *On the Meaning of Alienation*. American Sociological Review. Vol.24.
- Taylor, C. (1985), *Philosophical Papers, Philosophy & the Human Sciences*,. Vol.1, Cambridge: Cambridge University Press
- Turner, B. and Hamilton, p.(1994), *citizenship critical concept*, London: Routledge.
- Verba, S & Nie, N, H (1972), *Participation in America: Social equality and political democracy*. New York: Harper& Row.
- Zepke, Nick, 2013, Three perspectives on active citizenship in lifelong and life-wide education research, published on